

## محتوا و ساختار ارزشها در نوجوانان ایرانی

### Content and Structure of Values Among Iranian Adolescents

Mohammad T. Delkhamoush Mehrnaz A. Mobarakeh, PhD

Islamic Azad University  
South Tehran Branch

Islamic Azad University  
South Tehran Branch

مهروز احمدی مبارکه

استادیار دانشگاه آزاد اسلامی  
واحد تهران جنوب

محمدتقی دلخמוש

مربی دانشگاه آزاد اسلامی  
واحد تهران جنوب

#### چکیده

پژوهش حاضر در پی کشف روابط معنایی و ساختاری ارزشها در نوجوانان ایرانی بود. بدین منظور ۱۵۳۲ دانش‌آموز (۷۶۶ دختر، ۷۶۶ پسر) به نسبت مساوی در پایه‌های تحصیلی سوم راهنمایی (۱۴ ساله) و سوم نظری (۱۷ ساله)، به روش نمونه‌برداری تصادفی طبقه‌بندی شده از ۶ منطقه آموزش و پرورش شهر تهران انتخاب و با «پرسشنامه تشبیهی ارزش» (شوارتز و دیگران، ۲۰۰۱)، ارزشیابی شدند. روی آورد آماری پژوهش برای تحلیل ساختاری و منظومه‌های محتوایی ارزشها، فن «تحلیل کوچکترین فضا» بود. یافته‌های پژوهش نشان دادند که محتوا و ساختار ارزشهای انسانی نوجوانان ایرانی در سطح وسیعی با الگوی نظری جهان‌شمول ارزشها (شوارتز، ۱۹۹۲) مطابقت دارد، و معنابخشی و ساخت‌دهی به ارزشها در دختران و پسران مشابه است. انحراف از الگوی مورد انتظار نیز در مواردی مشاهده شد. ریخت ارزشی خیرخواهی با ساختار ریخت اصلی مطابقت نکرد و رابطه پویایی ابعاد رتبه بالاتر «تعالی خود» و «گسترش خود» نقض شد. این ساختارهای کمی تغییر یافته خصیصه‌های ویژه (شاخص فرهنگ) نوجوانان ایرانی را منعکس می‌کنند. پژوهش حاضر، یافته‌های بحث‌انگیزی را در باب ماهیت ارزشهای اخلاقی نوجوانان ایرانی در پی داشت.

**واژه‌های کلیدی:** ارزشها، نظریه ارزشی شوارتز، پرسشنامه تشبیهی ارزش، تحلیل کوچکترین فضا، نوجوانان

#### Abstract

The purpose of this study was to examine the meaning and structural relations of values among Iranian adolescents. The Portrait Value Questionnaire (PVQ; Schwartz et al., 2001) was administered to 1532 students (766 females, 766 males) in eighth- and eleventh- grades (age groups 14 and 17, respectively) who were selected equally from six educational districts of Tehran using stratified random sampling. The Smallest Space Analysis (SSA) technique was performed to analyze the structure and content constellations of values. Findings indicated that the content and structure of human values among Iranian adolescents were widely consistent with the universal theoretical model of values proposed by Schwartz (1992). There were no sex differences in defining the meaning and structuring of values. However, some variations of the expected model were observed. The location of benevolence value type was not consistent with the prototypical structure of values, and the dynamic relation between the "self-transcendence" and "self-enhancement" higher-order values was violated. These modified structures represents Iranian adolescents' specific characteristics (culture index). The present study suggested some controversial findings regarding the nature of moral values in Iranian adolescents.

**Key words:** values, Schwartz's value theory, Portrait Value Questionnaire, Smallest Space Analysis, adolescents

received: 16 June 2011

accepted: 2 October 2011

دریافت: ۹۰/۳/۲۶

پذیرش: ۹۰/۷/۱۰

## مقدمه

اهمیت و جایگاه ویژه ارزشها در مطالعه‌های کنونی علوم اجتماعی مرهون مجموعه‌ای از نظریه‌های نوینی از ارزشهاست که پژوهشگران این علوم پرورنده‌اند: اینگلههارت (۱۹۹۰)؛ تریاندیس (۱۹۹۰)؛ راکیچ (۱۹۷۳)، شوارتز (۱۹۹۲)؛ فیدر (۱۹۷۵)؛ کلاکهون (۱۹۵۱)؛ هافستد (۱۹۸۰). پژوهشگران اجتماعی در جستجوی ملاک‌هایی که جنبه‌های منحصر به فرد فرهنگها را بتوانند ترسیم کنند به ارزشها توجه کرده‌اند، چه ارزشها در درون یک فرهنگ، تبیین‌های تعیین‌کننده‌ای را از سازمان‌یافتگی و تغییر جامعه و گروهها میسازند. پژوهش در قلمرو ارزشها، علایق بررسی‌های فردی را نیز برآورده می‌سازد، چه ارزشها همچنان که هسته اصلی فرهنگ را شکل می‌دهند، به منزله مشخصه‌های بنیادی شخصیت، رفتارها و بازخوردهای افراد<sup>۱</sup> را برمی‌انگیزانند. به تعبیر پارالونا (۱۹۹۰) ارزشها سنگ بنای زندگی انسانی و رگه‌های اصلی فرهنگ هستند. بدین معنا، ارتباط بین سطوح فرهنگی و فردی ارزشها و تفسیر ساختاری آنها به منزله فهم معنای تجلی شخصیت فردی و فرهنگ اجتماعی است (باردی و شوارتز، ۲۰۰۳). درک اهمیت چندجانبه ارزشها در روی آوردن نظریه‌های نو به شناسایی محتوا و ساختار ارزشها انعکاس یافته است.

مؤلفان متعدد فرایند «بناشدن ارزشها» را به منزله فرایندی دانسته‌اند که در خلال فراخوانی زندگی تکامل می‌یابد (برای مثال، راکیچ، ۱۹۷۳؛ فیدر، ۱۹۸۰؛ کیتز، ۱۹۸۶؛ منه‌زیس و کمپو، ۱۹۹۷).

نوجوانی دوره «بزرگ شدن»، دوره حرکت از نمو-نایافتگی<sup>۲</sup> کودکی به سوی نمو یافتگی<sup>۳</sup> بزرگسالی است. نوجوان، دیگر یک کودک نیست، اما هنوز بزرگسال هم نیست. او در گذار از یک وهله زندگی به وهله دیگر به سر می‌برد: گذارهای زیست‌شناختی، روان‌شناختی، اجتماعی و اقتصادی (کیمل و وینر، ۱۹۹۵؛ استاینبرگ، ۱۹۹۹). قسمت اعظم تحول خودپیری<sup>۴</sup> ارزشی را در تغییرات شناختی دوره نوجوانی می‌توان ردیابی کرد. در این دوره،

همراه با قابلیت‌های گسترش یافته استدلال و تحول تفکر فرضی-استنتاجی در نوجوان، رغبت افزایش یافته‌ای نسبت به موضوعهای ایدئولوژیکی و فلسفی و شیوه ساخته و پرداخته‌تر نگرستن به آنها، حاصل می‌شود. توانایی در نظر گرفتن امکان‌پذیریهای دیگر، اقدام به فکر کردن در باب فکر کردن، جستجوی نظامهای ارزشی، ایدئولوژیهای سیاسی، اخلاقیات شخصی و باورهای مذهبی متفاوت را میسر می‌سازد.

«پارادایم شناختی-تحولی<sup>۵</sup>» که ثابت شده است چهارچوب جامعی برای مفهوم‌پردازی تحول انسان است. از خلال نظریه‌های متعدد متفاوت اما مکملی مانند پیازه (۱۹۶۵، ۱۹۷۲)، اریکسون (۱۹۶۳)، کهلبرگ (۱۹۶۹)، لاونینگر (۱۹۷۶)، سلمن (۱۹۸۰)، آیوی (۱۹۸۶) گسترش یافته است. مفروضه بنیادی این پارادایم این است که دانش انسان عبارت است از فرایند «بناشدن معنا»<sup>۶</sup> که تجربه‌های شخصی از خلال آن نظم و سازمان داده می‌شوند. تحول از خلال پیچیدگی در حال تحول فرایندهای روان‌شناختی با تولید سطوح توحید یافته‌تر سازمان‌یافتگی خود، حرکت می‌کند. در این چهارچوب با در نظر گرفتن اینکه ارزشها از خودپنداشت<sup>۷</sup> جداشدنی نیستند و مؤلفه تعیین‌کننده‌ای برای ارزیابی فاعلی رویدادها به شمار می‌روند (فیدر، ۱۹۸۸)، بناشدن ارزشها را اساساً به منزله فرایند «بناشدن معنا» می‌توان تصور کرد.

هدف اصلی پژوهش حاضر، استنتاج روابط معنایی و ساختاری ارزشها در دوره نوجوانی در دانش‌آموزان ایرانی است. چگونگی حضور معانی و ساختارهای ارزشی و مشابهت‌ها یا انحرافهای آنها با یافته‌های دیگر فرهنگها تفسیرهایی را در جهت بازنمایی ویژگیهای خاص نوجوانان ایرانی فراهم می‌کنند.

موضع‌گیریهای شوارتز در باب «محتوا و ساختار نظامهای ارزشی» در طی سه دهه (شوارتز و بیلسکی، ۱۹۸۷ الف، ۱۹۸۷ ب، ۱۹۹۰؛ شوارتز، ۱۹۹۲، ۱۹۹۴ الف، ۱۹۹۴ ب، ۲۰۰۴، ۲۰۰۵ الف، ۲۰۰۶ الف، ۲۰۰۶ ب) بسط یافته است. به واقع شوارتز از برجسته‌ترین پژوهشگران قلمرو

1. attitudes  
2. immaturity

3. maturity  
4. autonomy

5. cognitive-developmental paradigm  
6. meaning-making

7. self-concept

ساختاری نظریه ارزش، روابط پویایی متقابل تعارضی و توافقی میان سازه‌ها یا ریخته‌های ارزشهاست که ساختار دورانی<sup>۵</sup> منسجم نظامهای ارزشی را تشکیل می‌دهد. به علاوه، تعارضها و تجانسهای بین ارزشها در این ساختار توحید یافته، چهار ریخت ارزشی مرتبه بالاتر را که در امتداد دو بعد عمود بر هم آرایش می‌یابند، به وجود می‌آورند. تحلیلهایی که در ۲۲۰ نمونه متعلق به ۷۴ کشور از سال ۱۹۸۸ تا ۲۰۰۵ در سراسر جهان انجام شده‌اند، جهان شمول بودن تقریبی ریخته‌های ارزشی انگیزشی و ساختار دورانی روابط میان آنها را تأیید کرده‌اند (شوارتز، ۲۰۰۶ الف؛ شوارتز و باردی، ۲۰۰۱؛ شوارتز و ساگیو، ۱۹۹۵؛ شوارتز، کاپارا و ویک کین، ۲۰۱۰).

در جدول ۱، ده ریخت ارزشی برحسب هدف انگیزشی اصلی آنها در ستون اول تعریف شده‌اند. نمونه‌هایی از ارزشهای مشخصی که عمدتاً معرف هر ریخت هستند، در ستون دوم ارائه شده‌اند. در ستون سوم، مقتضیات جهان شمول موجود انسانی که منبع استخراج هر ریخت ارزشی هستند، فهرست شده‌اند.

چنان که ملاحظه می‌شود هر ریخت انگیزشی ارزشی ممکن است از بیشتر از یک ریخت از مقتضیات جهان شمول استخراج شود. به علاوه، تحلیلهای درون هر فرهنگ ثابت کرده‌اند که ۴۵ ارزش منفرد از مجموع ۵۷ ماده ارزشی در همه فرهنگها واجد معانی هم‌ارزی هستند و زیرمجموعه‌ای متجانس و واجد اعتمادپذیری درونی را تشکیل می‌دهند که برای مشخص کردن ده ریخت ارزشی عمل می‌کنند.

نوآوری دیگر نظریه شوارتز (۱۹۹۲) در کنار استخراج مجموعه جامع ریخته‌های ارزشی، مشخص کردن روابط پویایی بین ریخته‌هاست که امکان می‌دهد ارزشها را به گونه‌ای توحید یافته با متغیرهای دیگر مرتبط ساخت. روابط پویایی تعارضی و توافقی بین ریخته‌های ارزشی به شکل الگوی دورانی - که فرض می‌شود نظامهای ارزشی را تشکیل می‌دهند - در شکل ۱ آمده‌اند.

فرض منطقی این است که ریخته‌های ارزشی‌ای که

پژوهش بین فرهنگی در سه دهه اخیر بوده است (نافو، روکاس، ساگیو، ۲۰۱۱). وی در طی این سه دهه، اعتبار و کاربست نظریه ارزشها را در دو نظریه مجزا و در عین حال از جهت ساختاری مرتبط با یکدیگر گسترش بخشیده است. نخستین نظریه در باب «ارزشهای انسانی بنیادی»<sup>۱</sup> است؛ یعنی، ارزشهای فردی بنیادی که جنبه‌ای از شخصیت‌اند و افراد در تمام جوامع از این حیث متفاوتند (مانند ایمنی، پیشرفت، خیرخواهی). نظریه دوم با «جهت-یابیهای ارزشی هنجاری»<sup>۲</sup> مرتبط است، آنچه که مبنای تفاوت‌های فرهنگهاست (مانند سلسله مراتبی، برابرنگری، توازن) (شوارتز، ۲۰۱۰).

نظر به اینکه روی آورد نظری و روش شناختی این پژوهش مبتنی بر «ارزشهای انسانی بنیادی» شوارتز است، در ادامه، رئوس این نظریه به اجمال بیان می‌شود. شوارتز ارزشهای انسانی را به منزله تجسمهای شناختی از هدفهای خواستنی و انتزاعی، فراموقیعی<sup>۳</sup> - که اهمیت آنها به منزله اصول راهنما در زندگی افراد و گروهها متفاوتند و افراد آنها را به گونه سلسله مراتبی رتبه‌بندی می‌کنند - تعریف می‌کند (شوارتز، ۱۹۹۲، ۱۹۹۴ الف؛ شوارتز و ساگیو، ۲۰۰۰).

شوارتز (۱۹۹۲) پس از اعمال برخی از تغییرات در مفهوم‌پردازی ارزشها از دیدگاه راکیچ (۱۹۷۳) و ابداع روش‌شناسی خویش در اندازه‌گیری ارزشها، نظریه «ارزشهای انسانی بنیادی» را تدوین کرد. این نظریه واجد دو مؤلفه هسته‌ای است که به دنبال تعریف مفهومی ارزش‌ارایه می‌شوند. مؤلفه محتوایی این نظریه، مجموعه جامعی از ده سازه ارزشی انگیزشی متمایز است (مانند قدرت، پیشرفت). فرض بر این است که اعضای اغلب جوامع و فرهنگها آنها را بازشناسی می‌کنند. این سازه‌ها یا «ریخته‌های ارزشی»<sup>۴</sup> از تحلیل مقتضیات جهان شمولی که همه افراد و گروهها باید با آنها رویارویی کنند (یعنی نیازهای افراد به منزله ارگانیزمهای زیست‌شناختی، مقتضیات تعامل اجتماعی هماهنگ و مقتضیات کنش‌وری مداوم گروهها و بقای آنها) استخراج شده‌اند. مؤلفه

در جهت‌های مخالف یکدیگر قرار دارند. به این ترتیب، فاصله رو به تزاید در ترتیب دورانی نشان‌دهنده توافق رو به کاهش و تعارض رو به افزایش است. ملاحظه می‌شود که اگرچه «نظریه ارزش» ده ریخت ارزشی را متمایز می‌کند، در ترازوی بنیادی تر فرض می‌شود که ارزشها پیوستاری از انگیزشهای مرتبط را تشکیل می‌دهند؛ ساختار دورانی معرف این پیوستار است. تضادهای ریختهای ارزشی رقیب، ساختاری دو بعدی

هدفهای انگیزشی متوافقی دارند، بیشترین همبستگی مثبت را با یکدیگر دارند. این ریختها دارای استلزامهای رفتاری مشابهی‌اند، متقابلاً از یکدیگر حمایت می‌کنند و در ساختار دورانی به صورت ریختهای همجوار ظاهر می‌شوند. ریختهایی که مبین هدفهای انگیزشی متعارضی‌اند، کمترین همبستگی مثبت را با یکدیگر دارند یا حتی همبستگی منفی دارند. این ریختها واجد استلزامهای رفتاری متعارضی هستند و در ساختار دورانی

جدول ۱.

ریختهای انگیزشی ارزشها (شوارتز، ۱۹۹۴ الف؛ شوارتز و ساگی، ۲۰۰۰)

ریخت	تعریف	ارزشهای نمونه	منابع
قدرت	مقام و منزلت اجتماعی، مهار افراد و امکانات و تسلط بر آنها	قدرت اجتماعی، اقتدار، ثروت	تعامل، گروه
پیشرفت	موفقیت شخصی از خلال اثبات شایستگی در مطابقت با معیارهای اجتماعی	موافق، توانا، بلندمرتبه‌جو	تعامل، گروه
لذت‌جویی	لذت و ارضای جسمانی خود	لذت، زندگی لذتبخش	ارگانیزم
تحریک‌طلبی	تهییج، تازگی و چالش در زندگی	متهور، زندگی متنوع، زندگی مهیج	ارگانیزم
خود رهنموددهی	فکر و عمل مستقل، انتخابگر، خلاق، کاوشگر	خلاقیت، آزادی، مستقل	ارگانیزم، تعامل
جهان‌شمولی‌نگری	تفاهم، قدرشناسی، اغماض و حفاظت از رفاه همه انسانها و از طبیعت	دارای وسعت نظر، خرد، عدالت اجتماعی	گروه، ارگانیزم
خیرخواهی	حفظ و گسترش رفاه افرادی که با فرد تماس شخصی مداوم دارند.	یاریگر، صادق، بخشنده	ارگانیزم، تعامل، گروه
سنت	احترام، تعهد و پذیرش آداب و رسوم و عقایدی که فرهنگ سنتی یا مذهب بر فرد تکلیف می‌کنند.	متواضع، پذیرش سهم خود از زندگی، مؤمن	گروه
همنوایی	خودداری از اعمال، تمایلات و تکانه‌هایی که احتمال دارد دیگران را ناراحت کنند یا آزار دهند و ناقض انتظارات یا هنجارهای اجتماعی باشند.	فرمانبرداری، ادب، خود انضباطی	تعامل، گروه
ایمنی	امنیت، توازن و ثبات جامعه، ارتباطها و خود	امنیت خانوادگی، امنیت ملی، نظم اجتماعی	ارگانیزم، تعامل، گروه

می‌کنند (ریختهای «خودرهنموددهی»<sup>۳</sup> و «تحریک-طلبی»<sup>۴</sup>) در تضاد با ارزشهایی قرار می‌دهد که بر خود محدودکنندگی تبعیت‌جویانه، حراست از رسوم سنتی و حفظ ثبات تأکید می‌کنند («ایمنی»<sup>۵</sup>، «همنوایی»<sup>۶</sup> و «سنت»<sup>۷</sup>). بعد دوم، گسترش خود<sup>۸</sup> در برابر تعالی خود<sup>۹</sup>،

را نیز به وجود می‌آورند (شکل ۱). این ابعاد دو بعدی عمود بر هم، مرکب از ریختهای ارزشی مرتبه بالاتری‌اند که ریختهای معیار را ترکیب می‌کنند. نخستین بُعد، آمادگی برای تغییر<sup>۱</sup> در برابر محافظه‌کاری<sup>۲</sup>، ارزشهایی را که بر فکر و عمل مستقل خویش و طرفداری از تغییر تأکید

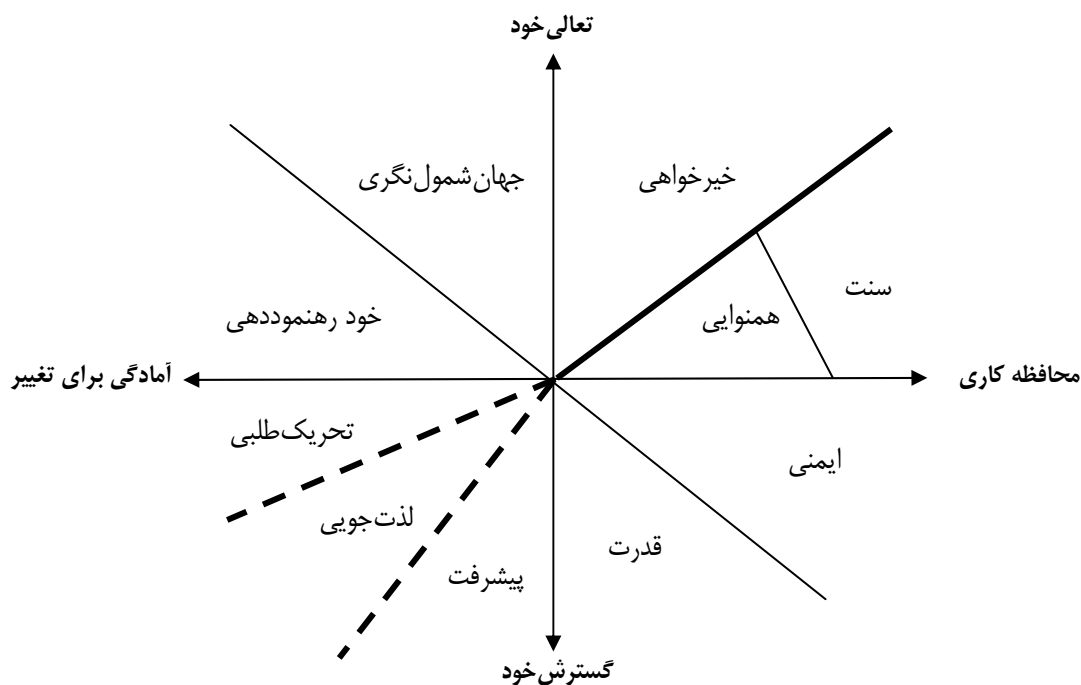
1. openness to change  
2. conservatism  
3. self-direction

4. stimulation  
5. security  
6. conformity

7. tradition  
8. self-enhancement  
9. self-transcendence

سلطه بر دیگران تأکید می‌ورزند («قدرت»<sup>۳</sup> و «پیشرفت»<sup>۴</sup>). «ریخت لذت‌جویی»<sup>۵</sup> نیز شامل عناصری از آمادگی برای تغییر و گسترش خود است (شوارتز، ۱۹۹۴ الف؛ شوارتز و ساگیو، ۱۹۹۵).

ارزشهایی را که بر پذیرش دیگران به منزله افراد برابر با خود و علاقه‌مندی به رفاه آنها تأکید دارند («جهان-شمولی‌نگری»<sup>۱</sup> و «خیرخواهی»<sup>۲</sup>) در تضاد با ارزشهایی قرار می‌دهد که بر پیگیری موفقیت شخصی خویش و



شکل ۱. الگوی نظری شوارتز. الگوی روابط بین ریختهای انگیزشی ارزشها، ریختهای ارزشی مرتبه بالاتر و ابعاد ارزشی دو قطبی (شوارتز و ساگی، ۲۰۰۰)

ارزشها» در سه نمونه دانش‌آموزان، دانشجویان و معلمان براساس داده‌های زمینه‌یاب ارزشی شوارتز<sup>۶</sup> (شوارتز، ۱۹۹۲) انجام شده است. پاره‌ای از تفاوتها را در جنبه‌های محتوایی و ساختاری ارزشها بین نوجوانان و بزرگسالان می‌توان انتظار داشت. نتایج پژوهش اخیر مبین آن است که ریختهای «جهان‌شمولی‌نگری» و «خیرخواهی» متمایز نشده و درهم آمیخته‌اند، به این دلیل که ریخت «جهان-شمولی‌نگری» مستلزم منظری فرا شخصی تر است که نوجوانان قادر نیستند آن را اتخاذ کنند. اما، در پژوهش حاضر «پرسشنامه تشبیهی ارزش»<sup>۷</sup> (شوارتز و دیگران، ۲۰۰۱) که ابزاری کمتر انتزاعی است و اندازه‌گیری ارزشها را در دوره نوجوانی میسر می‌سازد به کار گرفته شده است. بدین ترتیب، انتظار مواجه شدن با یافته‌هایی مشابه با نتایج منه‌زیس و کمپو (۱۹۹۷) کاهش می‌یابد.

با عطف به الگوی نظری که به اجمال شرح داده شد، پژوهش حاضر در پی پاسخگویی به دو پرسش اساسی بود:

الف) محتوا و ساختار ارزشها در نوجوانان ایرانی با الگوی ارزشهای شوارتز (۱۹۹۲، ۲۰۰۵ الف؛ شوارتز و ساگیو، ۱۹۹۵) مطابقت دارد یا از آن انحراف می‌یابد؟  
ب) محتوا و ساختار ارزشها در دختران و پسران مشابه است یا متفاوت؟

### محتوا و ساختار ارزشها در نوجوان ایرانی: تطبیق یا انحراف

با استناد به نظریه شناختی پیازه (۱۹۶۵، ۱۹۷۲)، دیدگاه بین شخصی سلمن (۱۹۸۰) در مورد نباشدن معنای شخصی از خلال واقعیت و یافته‌های پژوهشی منه‌زیس و کمپو (۱۹۹۷) - که با هدف اکتشاف فرایند «نباشدن

1. universalism  
2. benevolence  
3. power

4. normative value orientations  
5. achievement  
6. Schwartz Value Survey (SVS)

7. Portrait Value Questionnaire (PVQ)

احمدی، ۱۳۸۱)، الگوی نظری معنا و ساختار ارزشها در حد وسیعی به اثبات رسید، اما استثنائاتی هم مشاهده شد که تفاوت‌های بین فرهنگی را برجسته می‌سازند.

بدین ترتیب، اگر نه به دلیل محدودیت نوجوانان در دریافت معانی انتزاعی ارزشها، اما به سبب بازنمایی برجسته‌تر تعارضهای ارزشهای فرهنگی در ارزشهای نوجوانان، پاره‌ای از انحرافها از الگوی نظری محتوا و ساختار ارزشها را در جامعه مورد پژوهش می‌توان انتظار داشت، بی‌آنکه بتوان به روشنی مورد یا موارد انحراف را پیش‌بینی کرد.

### محتوا و ساختار ارزشها در دختران و پسران: تشابه یا تفاوت

تحلیل روابط جنس و ارزشها در چهارچوب نظریه محتوا و ساختار ارزشها (شوارتز، ۱۹۹۲، ۲۰۰۵ الف) از خلال مطالعه‌هایی که در نمونه‌های ملی (پرنس - گیسون و شوارتز، ۱۹۹۸؛ استراچ، شوارتز و فان در کلو، ۲۰۰۲) انجام شده‌اند، حاکی از آن است که معانی و ساختار ارزشها برای دو جنس مشابه است؛ یعنی، مردان و زنان در همه فرهنگهای مورد مطالعه معانی کاملاً مشابهی را به ارزشها نسبت می‌دهند، سازمان‌یافتگی انگیزشی ریخته‌های ارزشی برای هر دو جنس همسان است و ارزشهای مردان و زنان روی دو بعد ارزشی بنیادی به گونه‌ای مشابه آرایش یافته‌اند. این مؤلفان در تبیین این یافته‌ها اظهار می‌کنند که زنان و مردان عموماً در اجتماع زبان‌شناختی یکسانی اجتماعی می‌شوند و مفاهیم ارزشی‌ای که برای هدفهای خویش انتخاب می‌کنند دارای معانی مشابهی می‌باشند.

مطالعه مشابه در جمعیت بزرگسال ایرانی (دلخمش و احمدی، ۱۳۸۱) در سطح وسیعی با الگوی نظری ارزشهای شوارتز و یافته‌های تجربی او و همکارانش در زمینه روابط جنس و ارزشها مطابقت دارد. هر چند پاره‌ای تفاوتها نیز مشاهده شد. بنابراین، انتظار می‌رود که در سطح گسترده‌ای محتوا و ساختار ارزشهای انسانی نوجوانان در دو جنس مشابه باشند.

### روش

گروه نمونه شامل ۱۵۳۲ نوجوان دانش‌آموز (۷۶۶

مروار یافته‌های پژوهشی که با پرسشنامه تشبیهی ارزش در نمونه‌های نوجوانان انجام شده است، استنباطهای دقیق‌تر و دید روشنتری از مسئله مورد بررسی به دست می‌دهد.

نافو و شوارتز (۲۰۰۱) در بررسی نوجوانان ۵۸۰ خانواده اسرائیلی، و بوبک و بیلسکی (۲۰۰۴) در تحلیل ارزشهای ۱۵۵۵ نوجوان ۱۰ تا ۱۷ ساله آلمانی، با اجرای پرسشنامه تشبیهی ارزش اظهار کردند که یافته‌های آنها در سطح گسترده‌ای در تأیید اعتبار نظریه ارزشهای شوارتز (۱۹۹۲) است.

در پژوهشهای اخیر، لیم، مارتین، نیر، برناردو و پرستیا (۲۰۱۱) در ارزشیابی محتوا و ساختار ارزشهای نوجوانان (با میانگین سنی ۱۶ سال) سنگاپوری، فیلیپینی، اندونزیایی و استرالیایی (۲۳۰ نوجوان دختر و پسر از هر کشور) با به کارگیری «پرسشنامه تشبیهی ارزش» (شوارتز و دیگران، ۲۰۰۱) با تأیید حضور هر ۱۰ ریخت ارزشی مرتبه اول و هر ۴ ارزش مرتبه دوم و روابط توافقی و تعارضی آنها در هر چهار نمونه مورد بررسی از تعمیم نظریه ارزشهای شوارتز (۱۹۹۲، ۲۰۰۵ الف) به نوجوانان نواحی آسیای جنوبی و اقیانوسیه پشتیبانی کردند. هر چند نتایج، بیانگر الگویی تحولی و تعدیل‌شده از ارزشهای بزرگسالان است: ریخته‌های ارزشی قدرت و پیشرفت در یک ناحیه و در جنب هم قرار گرفته‌اند؛ یعنی، ماهیت انگیزشی مشترکی دارند و ریخته‌های ارزشی خیرخواهی و جهان‌شمولی‌نگری در نواحی با چرخش معکوس واقع شده‌اند.

به گونه‌ای مشابه، نتایج پژوهش تامایو و پورتو (۲۰۰۹)، در نمونه‌ای از ۶۱۴ دانش‌آموز برزیلی مؤید یافته‌های بین‌المللی در باب نظریه ارزشهای شوارتز (۱۹۹۲، ۲۰۰۵ الف) بود. آنها بر اعتبار ساختاری پرسشنامه نیز صحنه گذاردند. تمایزهای مشاهده شده با الگوی بزرگسالان عبارت بودند از: اشتراک نواحی ریخته‌های خیرخواهی با جهان‌شمولی‌نگری، قدرت با پیشرفت، خودرهنموددهی با لذت که جوار هم قرار داشتند.

در عین حال، در مطالعه ارزشها با زمینه‌یاب ارزشی شوارتز در نمونه‌ای از بزرگسالان ایرانی (دلخمش و

و یا امیال یک شخص را توصیف می‌کند و به گونه‌ی ضمنی به اهمیت یک ارزش اشاره دارد؛ برای مثال، «فکر کردن به ایده‌های نو و خلاق بودن برای او مهم است. او دوست دارد چیزها را به شیوه‌ای جدید انجام دهد»، شخصی را توصیف می‌کند که ارزشهای «خودرهنموددهی» برای او اهمیت دارند. در خصوص هر تشبیه، پاسخ‌دهندگان به این پرسش، پاسخ می‌دهند که «این شخص تا چه اندازه به شما شبیه است؟» و پاسخ خویش را با انتخاب یک گزینه از شش گزینه طبقه‌بندی شده، تعیین می‌کنند: «بسیار زیاد شبیه من است، شبیه من است، تا اندازه‌ای شبیه من است، اندکی شبیه من است، شبیه من نیست، ابداً شبیه من نیست.» ارزشهای پاسخ‌دهندگان از شباهت خود گزارش شده آنها به افرادی که به گونه‌ای ضمنی برحسب ارزشهای خاصی توصیف شده‌اند، استنباط می‌شوند. داوربهای مشابهت پاسخ‌دهندگان از ۱ (ابداً شبیه من نیست) تا ۶ (بسیار زیاد شبیه من است) نمره‌گذاری می‌شوند. از پاسخ‌دهندگان خواسته می‌شود تشبیه را با خود - و نه خود را با تشبیه - مقایسه کنند. کل تعداد تشبیه‌ها به اندازه‌ای محدود شده است که بتوان در حدود ده دقیقه آنها را تکمیل کرد. تعداد تشبیه‌ها برای هر یک از ارزشها به وسعت تعریف مفهومی آن بستگی دارد

دختر، ۷۶۶ پسر) بود که به نسبت مساوی در پایه‌های تحصیلی سوم راهنمایی (۱۴ ساله) و سوم نظری (۱۷ ساله) با توجه به شاخص پایگاه اقتصادی (بر مبنای توزیع هنجاری پنج پارکی از میانگین ارزش معاملاتی بلوکها در مناطق آموزش و پرورش تهران) به روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌بندی شده از ۴۸ واحد آموزشی (۸ واحد آموزشی غیرانتفاعی و ۴۰ واحد آموزشی دولتی) ۶ منطقه آموزش و پرورش شهر تهران انتخاب شدند.

محتوا و ساختار ارزشهای انسانی با به کار بستن نسخه ۴۰ ماده‌ای پرسشنامه تشبیهی ارزش (شوارتز و دیگران، ۲۰۰۱) ارزشیابی شد. این پرسشنامه به عنوان ابزاری کمتر انتزاعی موازی با زمینه‌یاب ارزشی شوارتز (شوارتز و راس، ۱۹۹۵) است که به سطح بالایی از فکر انتزاعی نیاز دارد. پرسشنامه تشبیهی ارزش عینی‌تر و به لحاظ شناختی واجد پیچیدگی کمتری از زمینه‌یاب ارزشی شوارتز است. پرسشنامه تشبیهی ارزش مطالعه ارزشها را از پایان کودکی تا سراسر نوجوانی-دوره‌ای که شاید از حیث تحول ارزشی تعیین‌کننده‌ترین دوره باشد- میسر خواهد کرد.

هر ماده پرسشنامه، تشبیه کلامی کوتاهی در باب یک فرد متفاوت است (جدول ۲). هر ماده هدفها، خواسته‌ها

## جدول ۲.

ده سازه پرسشنامه تشبیهی ارزش و نمونه‌هایی از مواد آن (شوارتز و دیگران، ۲۰۰۱)

**قدرت:** او دوست دارد به دیگران بگوید که چه کار کنند. برای او مهم است که عهده‌دار تعیین وظایف دیگران باشد.

**پیشرفت:** بسیار موفق بودن برای او مهم است. او دوست دارد دیگران را تحت تأثیر قرار دهد.

**لذت‌جویی:** او واقعاً می‌خواهد از زندگی لذت ببرد. داشتن اوقات خوش برای او خیلی مهم است.

**تحریک‌طلبی:** او خطر کردن را دوست دارد. او همیشه به دنبال ماجراست.

**خودرهنموددهی:** او فکر می‌کند که علاقه‌مند بودن به چیزها، اهمیت دارد. او کنجکاو است و سعی می‌کند هر چیزی را بفهمد.

**جهان‌شمولی‌نگری:** او فکر می‌کند مهم است که با همه اشخاص در دنیا به گونه‌ای برابر رفتار شود. او اعتقاد دارد که همه باید در زندگی فرصت‌های برابری داشته باشند.

**خیرخواهی:** کمک کردن به دیگران برای او بسیار اهمیت دارد. او می‌خواهد به نفع اطرافیان خود کار کند.

**سنت:** او فکر می‌کند که مهم است چیزها را به شیوه‌ای انجام دهد که از خانواده‌اش آموخته است. او می‌خواهد آداب و سنن آنها را دنبال کند.

**همنوایی:** او اعتقاد دارد که مردم باید به آنچه به آنها گفته می‌شود، عمل کنند. او فکر می‌کند که مردم باید در همه حال پیرو قانون باشند، حتی وقتی هیچکس نظاره‌گر نیست.

**ایمنی:** امنیت کشورش برای او بسیار اهمیت دارد. او می‌خواهد کشورش از دشمنان در امان باشد.

همه الگوهای همبستگی میان متغیرهای مورد مطالعه، ریخته‌ها و ابعاد ارزشی در جهت‌های مفروض مورد انتظار قرار داشتند و معنادار بودند. در این مطالعه، ضرایب بازآزمایی پرسشنامه تشبیهی ارزش در سه فاصله زمانی متفاوت گزارش شدند. ثبات در خلال یک ماه کاملاً بالا بود (دامنه ضرایب ۰/۶۷ تا ۰/۹۴) و حتی پس از دو سال هم قابل ملاحظه باقی ماند (۰/۵۰ تا ۰/۶۶).

در سنجش نظریه ارزش به وسیله پرسشنامه تشبیهی ارزش، تحلیل‌های ساختاری در باب داده‌های حاصل از ۱۴ نمونه بزرگسالان، دانشجویان و نوجوانان از هفت کشور (شیلی، آلمان، اندونزی، ایتالیا، پرو، لهستان و اوکراین) انجام شده است. تحلیل ساختاری در همه نمونه‌ها مطابق با نظریه بود. هر یک از ده ارزش به صورت ناحیه‌ای متمایز یا به صورت ناحیه‌ای متصل همراه با ارزش هم‌جوار با آن شکل گرفتند. هر یک از ۴۰ ماده، ملاک‌های کاربست برای مشخص ساختن ارزشهای مربوطه خویش را تأمین کردند. ساختار نظری روابط میان ارزشها نیز عمدتاً به اثبات رسید (شوارتز، ۲۰۰۵).

در پژوهشهای اخیر، اشتاین‌متز، باورل و ایزیدور (زیر چاپ)، اشتاین‌متز، اشمیت، تینا-بوه، ویسزورک و شوارتز (۲۰۰۹)، بر (زیر چاپ)، ویک‌کین، کاسکونی و باربارانلی (۲۰۰۹) و هاینز، بره‌لر، اشمیت و آلبانی (۲۰۰۵)، جملگی الگوی دورانی ساختار ارزشهای انسانی در پرسشنامه تشبیهی ارزش شوارتز و دیگران (۲۰۰۱) را با روشهای متفاوت (مقیاس‌سازی چند بعدی، تحلیل عاملی و غیره) در نمونه‌هایی وسیع از جمعیتها، آزمون و مقایسه کردند. یافته‌ها در تأیید ساختار دورانی ارزشها بود.

یافته‌های پژوهشی در نمونه‌های ایرانی (دلخمش و احمدی، ۱۳۸۱) اعتبار الگوی نظری معنا و ساختار ارزشها را در حد وسیعی مورد تأیید قرار داده است.

ضرایب بازآزمایی در یک نمونه ایرانی (مشمتمل بر ۱۲۰ دانشجوی دختر و پسر) به فاصله دو هفته، ضرایب قابل قبولی برای ریخته‌های ارزشی به دست داده است: ایمنی ۰/۷۸، قدرت ۰/۸۷، پیشرفت ۰/۸۳، لذت‌جویی

(شوارتز، ۱۹۹۲): شش تشبیه برای «جهان‌شمولی‌نگری»؛ پنج تشبیه برای «ایمنی»؛ چهار تشبیه برای «سنت»، «همنوایی»، «خیرخواهی»، «خودرهنموددهی» و «پیشرفت»؛ سه تشبیه برای «تحریک طلبی»، «لذت‌جویی» و «قدرت».

سطح زبان به کار بسته شده در نسخه انگلیسی پرسشنامه تشبیهی ارزش، سطح زبان ۱۱ ساله‌هاست (شوارتز و دیگران، ۲۰۰۱). ترجمه فارسی این پرسشنامه نیز در سطح زبان ۱۱ ساله‌ها تهیه شده است. پرسشنامه در دو صفحه تدارک شده است و آن را به صورت فردی و گروهی می‌توان اجرا کرد.

روایی افتراقی<sup>۱</sup> و روایی هم‌گرایی<sup>۲</sup> سازه‌های ارزشی با به کار بستن فن چندرگه‌ای- چند روشی<sup>۳</sup> (کمپیل<sup>۴</sup> و فیسک<sup>۵</sup>، ۱۹۵۹ نقل از شوارتز و دیگران، ۲۰۰۱) در نمونه‌ای که به هر دو ابزار زمینه‌یاب ارزشی شوارتز و پرسشنامه تشبیهی ارزش پاسخ داده بودند، مورد سنجش قرار گرفت. برای هر ارزش، همبستگی تک رگه‌ای- چند روشی<sup>۶</sup> معنادار بود ( $P < 0.001$ ). این مسئله هم روایی هم‌گرا و هم روایی افتراقی ارزشها را تأیید می‌کند و نشان می‌دهد که محتوای انگیزشی هر ارزش، صرف‌نظر از روش اندازه‌گیری، عمدتاً یکسان است. در این مورد، بامبرگ، هرمان، کاینست و اشمیت (۲۰۰۲) با الگو قراردادادن مطالعه شوارتز و دیگران (۲۰۰۱) در به کار بستن روی‌آورد چندرگه‌ای- چندروشی، روایی هم‌گرا و افتراقی ارزشها را در نمونه دانشجویان آلمانی به اثبات رساندند. این نتایج در یک تحلیل چندرگه‌ای- چندروشی منتشر نشده به دست آمده از نمونه دانشجویان اوکراینی نیز تکرار شده‌اند (شوارتز، ۲۰۰۵).

شوارتز و دیگران (۲۰۰۱) در تأیید روایی سازه نظریه ارزش‌هنگامی که ترجیحات ارزشی به وسیله پرسشنامه تشبیهی ارزش به صورت عملیاتی در آمدند- همخوانیهای پیش‌بینی شده میان ارزشها با متغیرهای زمینه‌ای (سن، تحصیلات، جنس)، بازخوردها (اعتقاد مذهبی، جهت‌یابی سیاسی)، شخصیت و رفتار را مورد مطالعه قرار دادند.

1. discriminant validity  
2. convergent validity

3. multitrait-multimethod (MTMM)  
4. Campbell, D. T.

5. Fiske, A.P.  
6. single trait-multimethod



مجاور هستند. خطوط جداکننده نواحی نیز ممکن است راست یا خمیده باشند، بدین شرط که نواحی دارای مرزهای پیوسته‌ای را به وجود آورند که مرزهای نواحی دیگر را قطع نکنند (نقل از شوارتز، ۱۹۹۲).

### یافته‌ها

مقایسه محتوا و ساختار ریخته‌های ارزشی در نمونه نوجوانان با محتوا و ساختار الگوی نظری پژوهش (شوارتز، ۱۹۹۲، ۲۰۰۵ الف)، مبنای واری پرسش اصلی پژوهش است. شکل ۱ نقشه تحلیل کوچکترین فضایی را ارایه می‌کند که در ۲۲۰ نمونه متعلق به ۷۴ کشور جهان انجام شده است (شوارتز، ۱۹۹۲، ۱۹۹۴ الف؛ شوارتز و ساگیو، ۱۹۹۵؛ شوارتز، کپرا و ویکین، ۲۰۱۰). این نقشه در نمونه‌هایی از نوجوانان (شوارتز و دیگران، ۲۰۰۱؛ نافو و شوارتز، ۲۰۰۱) تأیید شده است و می‌تواند به منزله ملاکی برای این مقایسه باشد.

یک تحلیل کوچکترین فضا در باب همبستگی‌های بین متغیرها میان ۴۰ ارزش پرسشنامه در نمونه نوجوانان، تجسم فضایی دو بعدی از روابط بین ارزشها را فراهم کرد (شکل ۲).

ترسیم خطوط جداکننده و تخصیص ارزشهای منفرد به ریخته‌های ارزشی بر مبنای ملاکهای تصمیم‌گیری در باب نقطه‌های ارزشی که ناحیه‌های تحدیدشده‌ای را تشکیل می‌دهند (شوارتز، ۱۹۹۲)، انجام شد. ساختار ارزشی به دست آمده در تحلیل کوچکترین فضا برای ۱۵۳۲ نوجوان ایرانی شناسایی هر ده ریخت ارزشی را امکان‌پذیر کرد که در سطح وسیعی با الگوی نظری مطابقت دارد (شکل ۲). نواحی تشکیل‌دهنده هر ریخت به وضوح متمایزند و آمیختگی مشاهده نمی‌شود. با این وجود، ریخت پیشرفت در کناره درونی ریخت قدرت قرار گرفته است. ترتیب‌بندی ریخته‌ها به استثنای دو مورد - که مربوط به ریخته‌های ارزشی خیرخواهی و پیشرفت است - با الگوی نظری همسان است. برای مطابقت کامل با ترتیب‌بندی

۰/۸۶، تحریک‌طلبی ۰/۸۱، خودرهنموددهی ۰/۷۸، جهان‌شمولی‌نگری ۰/۸۱، خیرخواهی ۰/۷۹، سنت ۰/۸۰، همنوایی ۰/۷۷ (دلخمش و احمدی، ۱۳۸۱).

برای تحلیل ساختاری و منظومه‌های محتوایی ارزشها، فن تحلیل کوچکترین فضا<sup>۱</sup> به کار گرفته شد که از جمله فنون مقیاس‌سازی چند بعدی<sup>۲</sup> نامتريک برای تحلیل ساختاری داده‌های واجد مشابهت است (دیویسن<sup>۳</sup>، ۱۹۸۳؛ دیلون<sup>۴</sup> و گلدشتاین<sup>۵</sup>، ۱۹۸۴). در هر نمونه، ماتریس همبستگی بین چند متغیر و ضرایب همبستگی پیرسون میان رتبه‌بندیها یا درجه‌بندیها در مورد اهمیت ارزشها با روش تحلیل کوچکترین فضا «گاتمن-لینگوز»<sup>۶</sup> (گاتمن، ۱۹۶۸، کانتز<sup>۷</sup>، ۱۹۸۵) مورد تحلیل قرار می‌گیرند. این روش، ارزشها را به منزله نقطه‌هایی در فضایی چند بعدی مجسم می‌کند به گونه‌ای که فاصله بین این نقطه‌ها نمایانگر روابط عملی بین ارزشها است. هر چه مشابهت مفهومی بین دو ارزش بیشتر باشد رابطه آنها با یکدیگر بیشتر است و بنابراین باید جای آنها در یک فضای چند بعدی به یکدیگر نزدیکتر باشد. شوارتز و همکارانش تحلیل کوچکترین فضا را با استفاده از روی آورد «واری شکل‌بندی»<sup>۸</sup> (دیویسن، ۱۹۸۳) تفسیر می‌کنند، بدین معنا که شکل‌بندی نقطه‌هایی را که به گونه قابل توجهی با یکدیگر مرتبط هستند و برای شکل‌دادن ناحیه‌ها پدیدار می‌شوند و نیز آرایش این نواحی را در فضا نسبت به یکدیگر تفسیر می‌کنند. محورهای مقیاس‌سازی چند بعدی واجد معنای قابل توجهی پنداشته نمی‌شوند، چرا که قراردادی‌اند. منظومه محتوایی به منزله فضایی هندسی دریافت می‌شود که در آن ارزشهای منفرد فقط نمونه‌ای از تمامی ارزشهای قابل شناسایی‌اند که کل فضا را با نقطه‌هایی که در هر کجا هستند، در بر دارند. این سخن بدین معناست که پاره‌ای از ارزشها که در کناره یک ناحیه قرار دارند ممکن است با ارزشهای دیگری که در همان ناحیه هستند، همبستگی کمتری داشته باشند تا با ارزشهای معینی که در کناره نواحی

1. smallest space analysis (SSA)

2. multidimensional scalling (MDS)

3. Davison, M.

4. Dillon, W. R.

5. Goldstein, M.

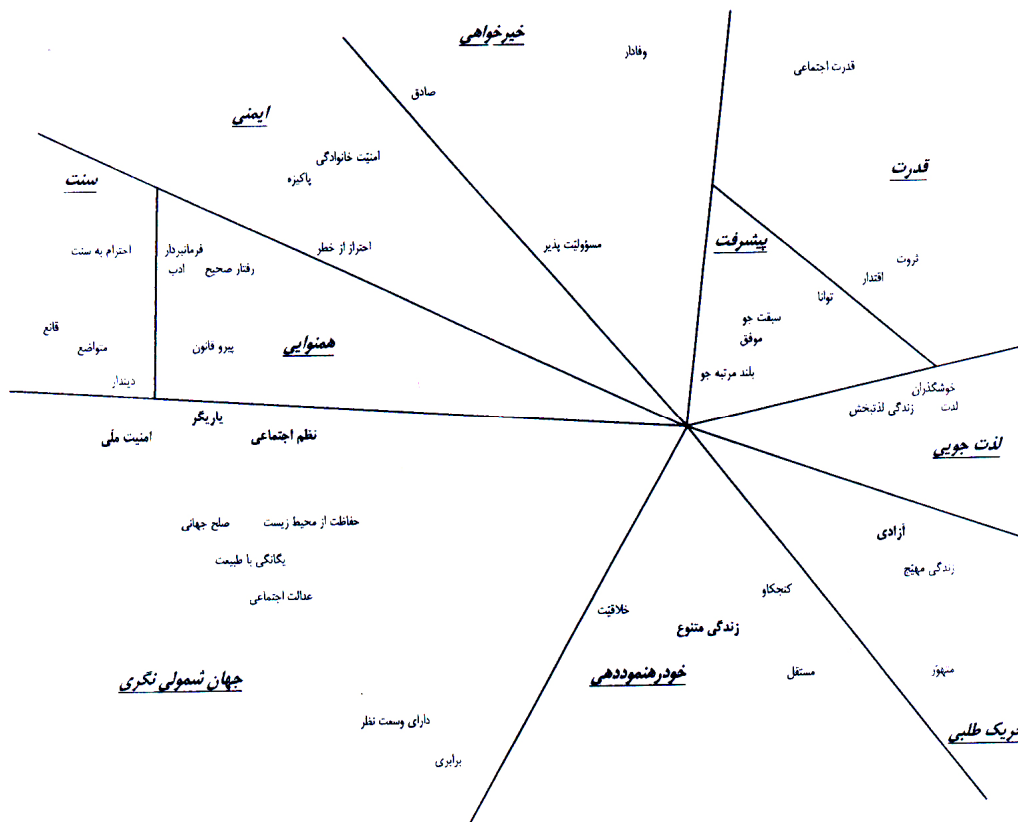
6. Guttman - Lingoes

7. Canter, D.

8. configurational verification

با الگوی نظری همسان است. برای مطابقت کامل با ترتیب‌بندی آرمانی دو حرکت برای ریخت خیرخواهی (در جهت عکس حرکت عقربه‌های ساعت مابین ریخته‌های هم‌نواپی و جهان‌شمولی‌نگری) و نیم حرکت برای ریخت پیشرفت (در جهت عکس حرکت عقربه‌های ساعت مابین ریخته‌های لذت‌جویی و لذت‌جویی) لازم است تا هر دو ریخت در ناحیه آرمانی قرار گیرند.

آرمانی دو حرکت برای ریخت خیرخواهی (در جهت عکس حرکت عقربه‌های ساعت مابین ریخته‌های هم‌نواپی و جهان‌شمولی‌نگری) و نیم حرکت برای ریخت پیشرفت (در جهت عکس حرکت عقربه‌های ساعت مابین ریخته‌های قدرت و لذت‌جویی) لازم است تا هر دو ریخت در ناحیه آرمانی قرار گیرند. ترتیب‌بندی ریخته‌ها به استثنای دو مورد - که مربوط به ریخته‌های ارزشی خیرخواهی و پیشرفت است -



شکل ۲. تحلیل کوچکترین فضا از ارزشهای نوجوانان ایرانی

خود و محافظه‌کاری در برابر آمادگی برای تغییر راه، همان‌طور که در سازمان‌یافتگی نظری پیش‌بینی شده است، بازنمایی می‌کنند، مشروط بر اینکه ریخته‌های ارزشی خیرخواهی (با دو حرکت) و پیشرفت (با نیم حرکت) به نواحی آرمانی نقل مکان کنند. بدین معنا، در نمونه مورد بررسی روابط تعارضی بین ریخته‌های پیشرفت و خیرخواهی که در ابعاد گسترش خود و تعالی خود جای گرفته‌اند، نقض شده است.

برای دریافت معنای جابه‌جایی ریخت خیرخواهی، روابط ریخت خیرخواهی با سایر ریخته‌ها بررسی گردید. در جدول ۲ نتایج همبستگی ریخت خیرخواهی با ریخته‌های

**ترتیب‌بندی ریخته‌ها** به استثنای دو مورد - که مربوط به ریخته‌های ارزشی خیرخواهی و پیشرفت است - با الگوی نظری همسان است. برای مطابقت کامل با ترتیب‌بندی آرمانی دو حرکت برای ریخت خیرخواهی (در جهت عکس حرکت عقربه‌های ساعت بین ریخته‌های هم‌نواپی و جهان‌شمولی‌نگری) و نیم حرکت برای ریخت پیشرفت (در جهت عکس حرکت عقربه‌های ساعت بین ریخته‌های قدرت و لذت‌جویی) لازم است تا هر دو ریخت در ناحیه آرمانی قرار گیرند.

**سازمان‌یافتگی ریخته‌های ارزشی**، روابط تعارضی و توافقی، و ابعاد مرتبه بالاتر گسترش خود در برابر تعالی

ناشی از عدم احراز رابطه پیش‌بینی شده در الگوی نظری بین ریخت خیرخواهی با ریخت‌های پیشرفت و قدرت است، بدین معنا که ریخت خیرخواهی به جای همبستگی منفی، همبستگی مثبت با ریخت‌های پیشرفت و قدرت برقرار کرده است.

برای سنجش محتوای ارزشها، جایگیری ارزشها درون

ارزشی دیگر ارایه شده است. با توجه به مقادیر جدول، ریخت خیرخواهی با سایر ریخت‌های ارزشی همبستگی مثبت معنادار ( $P < 0.001$ ) دارد. که بالاترین مقدار همبستگی ( $r = 0.229$ ) با ریخت پیشرفت و کمترین مقدار همبستگی ( $r = 0.098$ ) با ریخت سنت است. بدین ترتیب محل استقرار ریخت خیرخواهی عمدتاً

جدول ۲.

ضرایب همبستگی ریخت ارزشی خیرخواهی با سایر ریخت‌های ارزشی

ریخت‌های ارزشی									
ریخت ارزشی	همنوایی	سنت	جهان‌شمولی‌نگری	خود رهنموددهی	تحریک‌طلبی	لذت‌جویی	پیشرفت	قدرت	ایمنی
خیرخواهی	۰/۲۰۴	۰/۰۹۸	۰/۱۷۸	۰/۱۸۴	۰/۱۲۲	۰/۱۸۱	۰/۲۲۹	۰/۱۲۴	۰/۲۱۱

توجه: همه ضرایب در سطح  $P < 0.001$  معنادارند.

ظاهر شده‌اند. به ریخت جهان‌شمولی‌نگری سه ارزش افزوده شده است؛ یعنی، ارزش یاریگر از ریخت خیرخواهی و ارزش‌های نظم اجتماعی و امنیت ملی از ریخت ایمنی به ریخت جهان‌شمولی‌نگری منتقل شده‌اند. با توجه به اینکه ترتیب‌بندی ریخت ارزشی خیرخواهی با سازمان‌یافتگی الگوی نظری مطابقت نداشت و یک ارزش این ریخت (یاریگر) در کنار سایر ارزش‌های این ریخت ظاهر نشد، برای سنجش محتوای ریخت خیرخواهی همبستگی ارزش‌های ریخت خیرخواهی با ریخت‌های ارزشی محاسبه گردید (جدول ۳).

هر ریخت نمونه نوجوانان با الگوی نظری مورد مقایسه قرار گرفت. ارزشیابی محلهای مورد مشاهده حاکی از آن است که از ۴۰ ارزش، ۳۵ ارزش در متداول‌ترین محل خویش پدیدار شده‌اند. ریخت‌های همنوایی، سنت، لذت-جویی، پیشرفت و قدرت، ارزش‌هایی را در خود جای داده‌اند که در الگوی نظری مورد انتظار است. از دو ریخت خودرهنموددهی و تحریک‌طلبی یک ارزش به ریخت دیگر جابه‌جا شده است؛ یعنی، آزادی به جای ریخت خودرهنموددهی در ریخت تحریک‌طلبی و زندگی متنوع به جای ریخت تحریک‌طلبی در ریخت خودرهنموددهی

جدول ۳.

ضرایب همبستگی ارزش‌های ریخت خیرخواهی با ریخت‌های ارزشی

ارزش منفرد	ریخت‌های ارزشی									
	همنوایی	سنت	خیرخواهی*	جهان‌شمولی‌نگری	خود رهنموددهی	تحریک‌طلبی	لذت‌جویی	پیشرفت	قدرت	ایمنی
یاریگر	۰/۲۶۸**	۰/۳۲۱**	۰/۲۳۶**	۰/۳۳۱**	۰/۰۱۳	۰/۰۲۶	-۰/۰۶۶*	۰/۰۴۶	-۰/۰۶۳*	۰/۲۱۴**
صادق	۰/۲۲۸**	۰/۱۵۹**	۰/۳۱۰**	۰/۱۸۴**	۰/۱۱۳**	۰/۰۱۷	۰/۰۴۳	۰/۰۷۲**	-۰/۰۴۰	۰/۲۰۰**
مسئولیت‌پذیر	۰/۱۵۶**	۰/۰۵۷*	۰/۲۴۷*	۰/۱۷۲**	۰/۲۱۳**	۰/۱۰۴**	۰/۱۵۲**	۰/۳۳۰**	۰/۱۶۱**	۰/۱۸۵**
وفادار	۰/۰۶۷**	۰/۰۰۶	۰/۳۱۷**	۰/۰۷۷**	۰/۰۸۲**	۰/۱۲۶**	۰/۱۷۶**	۰/۱۱۳**	۰/۱۳۶**	۰/۰۸۱**

\*\* $P < 0.01$ . \* $P < 0.05$ .

پیشرفت ( $r = 0.330$ ) و خیرخواهی ( $r = 0.247$ ) دارد و ارزش یاریگر، مهمترین همبستگی را با ریخت‌های جهان‌شمولی-نگری ( $r = 0.331$ )، سنت ( $r = 0.321$ ) و همنوایی ( $r = 0.268$ ) به دست آورده است.

مقادیر مندرج در جدول ۳ نشان می‌دهند که ارزش‌های صادق و وفادار (به ترتیب با مقادیر  $r = 0.310$  و  $r = 0.317$ ) صراحتاً به ریخت خیرخواهی تعلق دارند. ارزش مسئولیت‌پذیر همبستگی‌های قابل توجهی با ریخت‌های

بدین ترتیب محتوای ارزش خیرخواهی از الگوی نظری فاصله گرفته و واجد معنای ویژه‌ای است. در ارزش مسؤلیت‌پذیر معنایی از پیشرفت‌طلبی ملاحظه می‌شود. در ارزش وفادار معنایی از لذت‌جویی، قدرت و تحریک‌طلبی وجود دارد. در مقابل، ارزشهای صادق و یاریگر به

معانی متداول خود نزدیک‌اند، به خصوص ارزش یاریگر که با ریخته‌های لذت‌جویی و قدرت همبستگی منفی نشان داده است (و از سایر ارزشهای ریخت خیرخواهی جدا شده است). برای ارزیابی معنای ارزشهایی که در محلهای مورد

جدول ۴. نواحی جای‌گیری ارزشها برای ارزشهای جابه‌جا شده

ارزشهای جابه‌جا شده	ناحیه‌ی ظاهر شده در پژوهش	متداول‌ترین ناحیه‌ی ظاهر شده	سایر نواحی متداول ظاهر شده
یاریگر	جهان شمولی‌نگری	خیرخواهی	—
امنیت ملی	جهان شمولی‌نگری	ایمنی	جهان شمولی‌نگری
نظم اجتماعی	جهان شمولی‌نگری	ایمنی	همنوایی، جهان شمولی‌نگری
آزادی	تحریک‌طلبی	خودرهنموددهی	جهان شمولی‌نگری، لذت‌جویی
زندگی متنوع	خودرهنموددهی	تحریک‌طلبی	—

جدول ۵. ضرایب همبستگی چهار ارزش جابه‌جا شده با ریخته‌های ارزشی

ریخته‌های ارزشی										
ارزش منفرد	همنوایی	سنت	خیرخواهی	جهان شمولی‌نگری	خود رهنموددهی	تحریک طلبی	لذت‌جویی	پیشرفت	قدرت	ایمنی
امنیت ملی	۰/۳۱۸	۰/۳۶۷	۰/۴۲۵	۰/۰۹۷	۰/۱۹۸	۰/۱۰۱	۰/۲۲۳			
نظم اجتماعی	۰/۳۵۵	۰/۳۰۵	۰/۴۰۹	۰/۱۷۴	۰/۱۷۳	۰/۲۴۷	۰/۱۷۹			
آزادی*	۰/۱۷۱	۰/۱۶۷	۰/۲۶۶	۰/۱۶۳	۰/۳۰۶	۰/۰۹۲	۰/۱۷۸			
زندگی متنوع*			۰/۱۶۱	۰/۳۵۶	۰/۰۹۷	۰/۱۸۷				

\* مقادیر همبستگی آزادی با ریخت خودرهنموددهی و زندگی متنوع با تحریک‌طلبی پس از حذف ارزشهای مذکور از محاسبه ریخت مرتبط، محاسبه گردیدند. توجه: همه ضرایب در سطح  $P < 0.001$  معنادارند.

انتظار در الگوی نظری ظاهر نشده‌اند، در جدول ۴ هم متداول‌ترین معنای هر ارزش و هم معنای متداول دیگری که شوارتز (۱۹۹۵) گزارش کرده، نشان داده شده است. در جدول ۵، همبستگیهای معنادار بین ارزشهای جابه‌جا شده و ریخته‌های ارزشی آورده شده‌اند. مقادیر مندرج در جدول ۵ مبین آن است که ارزشهای امنیت ملی و نظم اجتماعی به ترتیب با ریخته‌های جهان شمولی‌نگری (۰/۴۲۵ و ۰/۴۰۹)، سنت (۰/۳۶۷ و ۰/۳۰۵)، همنوایی (۰/۳۱۸ و ۰/۳۵۵) و ایمنی (۰/۲۲۳ و ۰/۲۸۳) مرتبط می‌باشند. ارزش آزادی با ریخت خود-رهنموددهی (۰/۲۶۶) و سپس با ریخته‌های لذت‌جویی

(۰/۲۴۷) و پیشرفت (۰/۲۱۳) ارتباط دارد. در نهایت، ارزش زندگی متنوع با ریخته‌های خودرهنموددهی (۰/۳۵۶) و تحریک‌طلبی (۰/۳۰۶) مرتبط می‌باشد. بدین ترتیب، ارزشهای امنیت ملی و نظم اجتماعی از متداول‌ترین ریخت در الگوی نظری (ایمنی) دور می‌شوند. ارزش آزادی به رغم آنکه در ریخت تحریک‌طلبی ظاهر شده (به دلیل تمایل به ریخته‌های لذت‌جویی و پیشرفت) متعلق به ناحیه پیش‌بینی‌شده؛ یعنی، ریخت خودرهنموددهی است. اما، ارزش زندگی متنوع در عین کشش به ناحیه پیش‌بینی‌شده (تحریک‌طلبی)، کشش نسبتاً بیشتری به ناحیه مجاور خود (خودرهنموددهی) دارد.

کامل با ترتیب‌بندی ساختار آرمانی، برای هر دو گروه دو حرکت (دختران در خلاف جهت حرکت ساعت، پسران در جهت حرکت ساعت) لازم است تا ریخت خیرخواهی در ناحیه آرمانی قرار گیرد و نیم حرکت (دختران در جهت حرکت ساعت، پسران در خلاف جهت حرکت ساعت) نیاز است تا ریخت پیشرفت به ناحیه متداول نقل مکان کند.

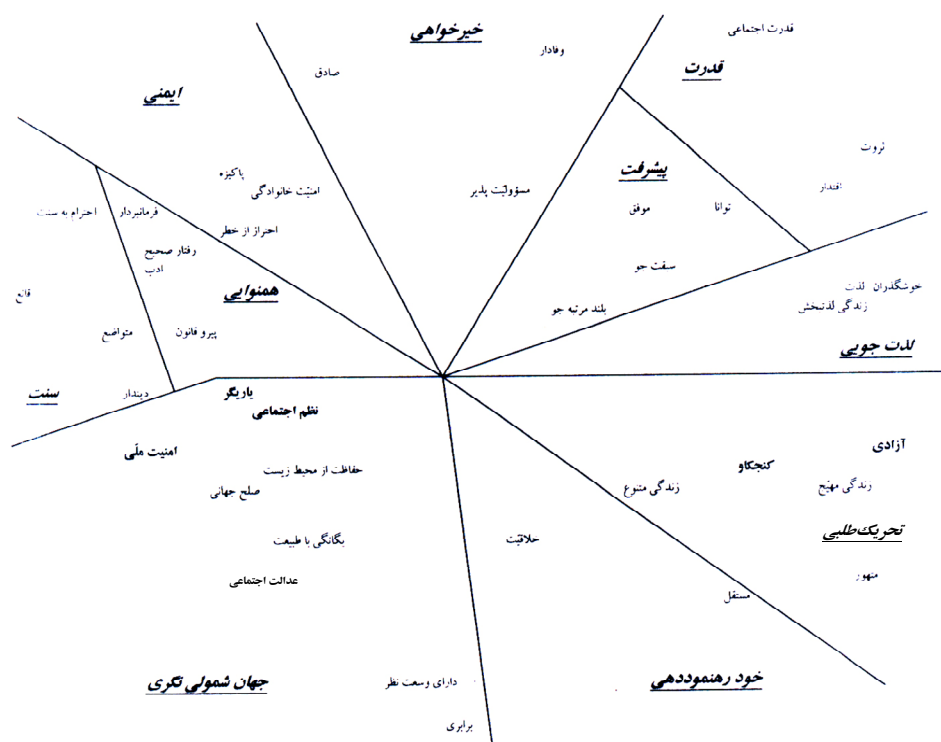
**سازمان‌یافتگی ریخته‌های ارزشی در هر دو گروه**  
دانشجویی، روابط تعارضی و توافقی و ابعاد مرتبه بالاتر گسترش خود در برابر تعالی خود و محافظه‌کاری در برابر آمادگی برای تغییر را مطابق سازمان‌یافتگی نظری بازنمایی می‌کنند، به شرط اینکه ریخت خیرخواهی به ناحیه آرمانی در هر دو جنس حرکت کند. بدین ترتیب، ساختار ارزشها در مردان و زنان دانشجو را کاملاً مشابه می‌توان تلقی کرد.

برای مشخص کردن معنای جابه‌جایی ریخت خیرخواهی

برای سنجش یافته‌ها در نمونه‌های دختران و پسران نوجوان، دو تحلیل کوچکترین فضایی در باب همبستگیهای بین متغیرها میان ۴۰ ارزش پرسشنامه انجام شد (شکل‌های ۳ و ۴).

بر مبنای ملاک‌های تصمیم‌گیری جهت تخصیص ارزشها به ریخته‌های ارزشی (شوارتز، ۱۹۹۲) نواحی از هم متمایز شدند. در تحلیل کوچکترین فضایی ۷۶۶ دختر نوجوان هر ده ریخت ارزشی به وضوح از یکدیگر متمایزند و آمیختگی مشاهده نمی‌شود. در تحلیل کوچکترین فضایی ۷۶۶ پسر نوجوان نیز هر ده ریخت ارزشی قابل شناسایی است.

**ترتیب‌بندی ریخته‌های ارزشی برای هر دو جنس به الگوی نظری نزدیک است.** تفاوتها در هر دو جنس به یک صورت ظاهر شده‌اند: ریخت پیشرفت در ناحیه داخلی ریخت قدرت ظاهر شده و ریخت خیرخواهی از ناحیه متداول خود جابه‌جا شده است. برای مطابقت



شکل ۳. تحلیل کوچکترین فضا از ارزشهای نوجوانان دختر ایرانی

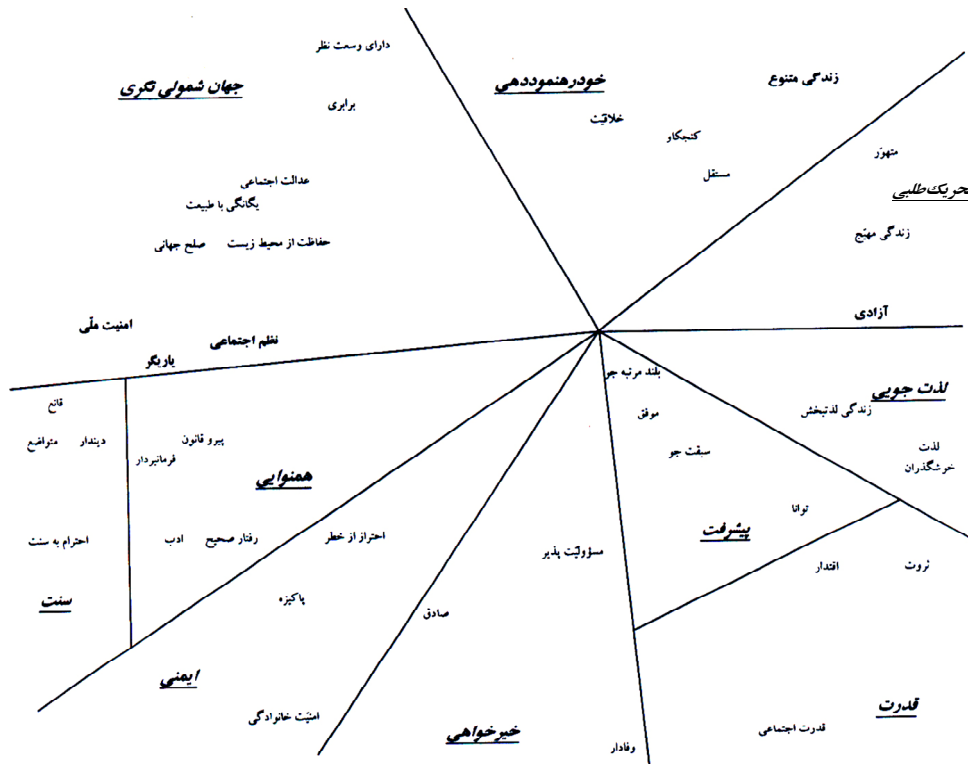
با دیگر ریختها در دو گروه واجد تمایز چشمگیری نیست و همبستگی بالای خیرخواهی با ریخت پیشرفت در هر دو جنس مشترک است (دختران:  $r=0/227$ ؛ پسران:  $r=0/221$ ؛

در سازمان‌یافتگی ریخته‌های ارزشی دو جنس، تمایز روابط ریخت خیرخواهی با سایر ریخته‌های ارزشی در دو گروه بررسی شد. نتایج نشان داد که همبستگی خیرخواهی

( $P < 0/001$ )

جنس (مانند کل نتایج) ارزشهای آزادی، امنیت ملی، نظم اجتماعی و یاریگر به گونه‌ای مشابه از ناحیه مورد انتظار دور شده‌اند. افزون بر این، ارزشهای خیرخواهانه (یاریگر، صادق، مسؤولیت‌پذیر و وفادار) در هر دو جنس در محلهای مورد انتظار واقع نشده‌اند.

برای سنجش محتوای ارزشها، جایگیری ارزشهای منفرد درون ریخته‌ها در دو گروه نوجوانان مقایسه شد. موارد تفاوت در محل استقرار دو ارزش (کنجکاو و زندگی متنوع) قابل مشاهده است. همچنین، در نتایج دو



شکل ۴. تحلیل کوچکترین فضا از ارزشهای نوجوانان پسر ایرانی

### بحث

شوارتز در سلسله پژوهشهای خود (۱۹۹۲، ۲۰۰۵، الف، ۲۰۰۶؛ شوارتز و ساگیو، ۱۹۹۵؛ شوارتز و دیگران، ۲۰۰۱) نظریه ارزشها و جنبه جهان شمول محتوای ارزشها را بسط داده است. پژوهشهایی که در باب ۲۲۰ نمونه از ۷۴ ملت انجام شده‌اند، جهان شمول بودن تقریبی این ریخته‌های ارزشی و ساختار آنها را تأیید کرده‌اند. در سنجش نظریه ارزشها به وسیله پرسشنامه تشبیهی ارزش در چهارده نمونه بزرگسال، دانشجویان و نوجوانان از هفت کشور، کلیه جنبه‌های محتوایی و ساختاری‌ای که از خلال زمینه‌یاب ارزشی شوارتز مشاهده شده‌اند، تکرار گردیده‌اند.

پژوهش حاضر نشان داد که محتوا و ساختار ارزشهای

برای مقایسه معانی ارزشهای منفردی که محل ظهور آنها بین دو جنس متفاوت بود، همبستگی ارزشهای کنجکاو و زندگی متنوع با ریخته‌های ارزشی در دو جنس محاسبه شد. نتایج نشان داد که هر دو ارزش در هر دو جنس بالاترین همبستگی را با ریخته‌های تحریک طلبی (کنجکاو، دختران:  $r = 0/348$ ، پسران:  $r = 0/287$ ،  $P < 0/001$ ؛ زندگی متنوع: دختران:  $r = 0/331$ ، پسران:  $r = 0/281$ ،  $P < 0/001$ ) و خودرهنموددهی (کنجکاو، دختران:  $r = 0/312$ ، پسران:  $r = 0/247$ ،  $P < 0/001$ ؛ زندگی متنوع: دختران:  $r = 0/388$ ، پسران:  $r = 0/344$ ،  $P < 0/001$ ) به دست آورده‌اند. بدین ترتیب با توجه به مجموع نتایج به دست آمده، محتوای ارزشهای دو جنس را همسان می‌توان تلقی کرد.

خواهی با ریخته‌های بعد مرتبه بالاتر گسترش خود و ریخت جهان‌شمولی‌نگری با ریخته‌های بعد مرتبه بالاتر محافظه-کاری همخوانی دارند.

این انحرافها تصادفی نیستند، بلکه بیانگر یک تفاوت واقعی است که ویژگی نوجوانان ایرانی را بازنمایی می‌کند. این تفاوت، متضمن این است که یک ساختار کمی تغییر یافته شاخص فرهنگ، نوجوانان ایرانی را مشخص می‌کند. ارزشهای خیرخواهی به طور معمول در تعارض با ارزشهای پیشرفت و قدرت قرار می‌گیرند. هدف انگیزه‌های خیرخواهی، حفظ و گسترش رفاه افرادی است که با فرد تماس شخصی مداوم دارند. در مقابل، ارزشهای پیشرفت و قدرت بر پیگیری موفقیت شخصی خویش و بر مهمتری و حرمت اجتماعی تأکید می‌ورزند. ریخته‌های لذت‌جویی و تحریک‌طلبی نیز - که در این همخوانیها سهیم بوده‌اند- متضمن میل به تکانه‌هایی هستند که به لحاظ عاطفی لذتبخش می‌باشند.

پس چگونه است که ارزشهای خیرخواهی (به استثنای ارزش یاریگر) و ارزشهای پیشرفت و قدرت در مجاورت یکدیگر قرار گرفته‌اند؟ و به چه دلیلی ارزشهای خیرخواهی به ارزشهای تحریک‌طلبی و لذت‌جویی مرتبط شده‌اند؟ به بیان دیگر، همخوانیهای نامتداول مشاهده شده بین ارزشهای خیرخواهی با ارزشهای پیشرفت، قدرت، تحریک‌طلبی و لذت‌جویی، معرف چه تغییری در معنای ارزشهای خیرخواهی است؟

همخوانی ارزشهای خیرخواهی با ارزشهای پیشرفت و قدرت، بیانگر این معناست که ارزشهای خیرخواهی برای نوجوانان بیش از آنکه به منزله ارزشهای اخلاقی تلقی شوند، در حکم ارزشهای مبتنی بر صلاحیت‌اند؛ صلاحیتهایی که کسب مقبولیت و منزلت را در پی دارند. همخوانیهای ارزشهای خیرخواهی با ارزشهای تحریک-طلبی و لذت‌جویی نیز بدین معنا می‌تواند تعبیر شود که ارزشهای خیرخواهی به جای آنکه پیامدهای خودگرا را منع کنند، آنها را تسهیل می‌کنند. بدین ترتیب، ادراک نوجوان از انتظارات و توقعات دنیای ارتباط‌های نزدیک خود؛ یعنی، فضای روابط با والدین و دوستان، خیرخواهی را با انجام اعمال دیگر دوستانه‌ای (مسئولیت‌پذیر، وفادار)

انسانی نوجوانان ایرانی در سطح وسیعی با الگوی نظری ارزشها (شوارتز، ۱۹۹۲) مطابقت دارد. به بیان دیگر، یافته‌های این پژوهش ساختار روان‌شناختی جهان‌شمول ارزشهای انسانی را تأیید می‌کند. ارزشها به منزله هدفهای هشیار معرف مقتضیات جهان‌شمول (نیازهای زیست-شناختی ارگانیزم، ضرورت‌های تعامل اجتماعی و الزامهای گروه) موجود انسانی‌اند که همه افراد و جوامع (به رغم گوناگونیهای اجتماعی-اقتصادی، فرهنگی، زبان‌شناختی و جغرافیایی) ملزم به پاسخگویی بدانها هستند. یافته‌های پژوهش حاضر مبین آن است که معانی ارزشهای بنیادی در حد گسترده‌ای از حیث فرهنگی مشترک هستند؛ نتیجه‌ای مشابه با دیگر یافته‌های بین‌المللی در باب اعتبار نظریه ارزشهای شوارتز (۱۹۹۲، ۲۰۰۵ الف) که با به‌کارگیری پرسشنامه تشبیهی ارزش در نمونه‌های نوجوانان انجام شده‌اند: بوبک و بیلسکی (۲۰۰۴)؛ تمیو و پورتر (۲۰۰۹)؛ لیم و دیگران (۲۰۱۱)؛ منه‌زیس و کمپو، (۱۹۹۷). افزون بر این، نوجوانان دختر و پسر ایرانی، محتوا و ساختار ارزشی همسانی را ارایه کردند. بدین ترتیب، اگرچه مردان و زنان دانشجو ممکن است ترجیحات ارزشی متفاوت داشته باشند، معانی ارزشهایی که آنها تجربه می‌کنند، مشابه است؛ چه، دختران و پسران، معانی ارزشی را در اجتماع زبان‌شناختی یکسانی کسب می‌کنند و مفاهیم ارزشهایی را که برای هدفهای خویش انتخاب می‌کنند، معانی مشترکی دارند. یافته‌های پژوهش حاضر همسو با نتایج به دست آمده در سطح بین‌المللی (پرنس-گیسون و شوارتز، ۱۹۹۸؛ استراچ و دیگران، ۲۰۰۲) و نمونه بزرگسالان ایرانی (دلخمش و احمدی، ۱۳۸۱) است. اما انحراف از الگوی مورد انتظار نیز مشاهده می‌شود.

انحراف نخست، مربوط به ظهور ریخته‌های خیرخواهی و پیشرفت در ناحیه‌های نامنتظر است. از یک سو، همخوانیهای خلاف انتظار ریخت خیرخواهی با ریخته‌های پیشرفت، قدرت، لذت‌جویی و تحریک‌طلبی و از سوی دیگر، همخوانیهای نامنتظر ریخت جهان‌شمولی‌نگری با ریخت ایمنی و همخوانیهای بیش از حد انتظار جهان-شمولی‌نگری با ریخته‌های سنت و همنوایی را موجد این جابه‌جاییهای نامتداول می‌توان تلقی کرد. ریخت خیر-

مرتبط می‌کند که احساس پیوستگی و عاطفی در آنها مستلزم منفک شدن از جهت‌گیریهای خودبینانه نیست. «وفاداری» شأن و مرتبت یک نوجوان را در بین «رفقا» تضمین می‌کند و لذت بردن از تجربه‌های هیجانی را در حلقه‌ی دوستان تأمین می‌نماید. «مسئولیت‌پذیری» شایستگی و صلاحیت یک نوجوان را در نزد والدین و همگنان بازنمایی و احساس مهمتری را در قبال شایستگی اجتماعی نصیب وی می‌کند.

آیا می‌توان این‌گونه نتیجه گرفت که معنای ارزشهای خیرخواهی در نزد نوجوانان ایرانی از معنای این ارزشها در نزد نوجوانان فرهنگهای دیگر، کاملاً متفاوت است؟ در این صورت، چرا ارزش «یاریگر» که از ارزشهای خیر-خواهی به شمار می‌رود، در محلی ظاهر شده که می‌توانست محل ظهور ریخت‌ارزشی خیرخواهی باشد؟ برای پاسخگویی به این پرسش باید به همخوانیهای نامنتظر ریخت‌جهان‌شمولی‌نگری با ریخت‌ایمنی معطوف شد و به انحرافهای دیگری که در ساختار و محتوای ارزشهای نوجوانان ایرانی مشاهده شده است، رجوع کرد. ارزشهای جهان‌شمولی‌نگری، هدف زندگی در جهانی را بازنمایی می‌کند که در آن افراد واجد فرهنگها و سبکهای زندگی متفاوت مورد پذیرش قرار می‌گیرند و قرارگرفتن در معرض شناخت و تصورات جدید استقبال و تأیید می‌شود. پیگیری موفقیت‌آمیز ارزشهای جهان-شمولی‌نگری احتمالاً در پی افزودن عدم قطعیتی است که شخص با آن روبه‌رو خواهد شد و ممکن است وضع موجود را کاملاً از بین ببرد. به عکس، ارزشهای ایمنی، هدف محافظت از خود از عدم قطعیت را از خلال کوشش در حفظ وضع موجود، حفظ امنیت و ثبات در جامعه بزرگتر، در روابط با دیگران و در محیط مادی، بازنمایی می‌کند (باردی و شوارتز، ۱۹۹۶).

پس چگونه است که دو ریخت‌ارزشی جهان‌شمولی-نگری و ایمنی با یکدیگر همخوان گردیده‌اند؟ و چگونه است که دو ارزش ایمنی (امنیت ملی و نظم اجتماعی) در زمره ارزشهای جهان‌شمولی‌نگری و در مجاورت ارزشهای صلح جهانی و عدالت اجتماعی جای گرفته‌اند؟ تحلیل انحرافهای مشاهده شده از الگوی نظری را با

پاسخ به پرسش اخیر می‌توان آغاز کرد. شوارتز (باردی و شوارتز، ۱۹۹۶) به پنج ارزش امنیت ملی، نظم اجتماعی، صلح جهانی، عدالت اجتماعی و برابری به عنوان ارزشهای اجتماعی-سیاسی اشاره کرده‌اند. نتایج به دست آمده از بررسی ساختار و محتوای ارزشها در نمونه‌های اروپای شرقی نشان داد که پنج ارزش نامبرده در کشورهای اروپای شرقی در مجاورت یکدیگر و در ریخت‌جهان-شمولی‌نگری ظاهر شدند. شوارتز همخوانیهای نامتداول بین این پنج ارزش را براساس ماهیت نظامهای سیاسی و اجتماعی کشورهای اروپای شرقی تبیین می‌کند.

نتایج در نمونه بزرگسالان ایرانی (دلخمش و احمدی، ۱۳۸۱) مبین ماهیت ایدئولوژیکی ارزشهای امنیت ملی و نظم اجتماعی است. در نمونه بزرگسالان ایرانی، معانی امنیت ملی و نظم اجتماعی با هدف حفظ ثبات سیاسی و نظم موجود از خلال دفاع از ارزشهای ایدئولوژیکی (شامل ارزشهای سنتی مانند مؤمن و احترام به سنت و ارزشهای جهان‌شمولی‌نگری مانند صلح جهانی، عدالت و برابری)، همخوان شده‌اند.

معنادهی به ارزشهای امنیت ملی و نظم اجتماعی در نوجوانان، در عین مشابهت با الگوی معنایی بزرگسالان، در همخوانی این دو ارزش با سایر ارزشهای جهان‌شمولی-نگری (حفاظت از محیط‌زیست و یگانگی با طبیعت) و ارزشهای همنوایی (پیرو قانون و ادب) از نتایج بزرگسالان متفاوت است. بدین ترتیب، ارزشهای امنیت ملی و نظم اجتماعی برای نوجوانان با معانی حفظ و حراست از ارزشهای ایدئولوژیکی همخوان شده است. ارزشهای ایدئولوژیکی برای نوجوانان به منزله رسمی‌ترین ارزشهای هنجاری‌اند که از خلال نهادهای نظام سیاسی-اجتماعی موجود اشاعه داده می‌شوند. همخوانی ارزشهای امنیت ملی و نظم اجتماعی با ارزشهای همنوایی (پیرو قانون و ادب)، خصلت هنجاری این ارزشها را در نزد نوجوانان برجسته‌تر می‌سازد.

حال، می‌توان به پرسش نخست نیز پاسخ داد. همخوانی ریخت‌جهان‌شمولی‌نگری با ریخت‌ایمنی و همچنین با ریختهای سنت و همنوایی، بیانگر شکل‌گیری کانون به شدت همبسته‌ای از این چهار ریخت‌ارزشی



خود» با سایر ارزشها و معنای متفاوت برای آنها شده است.

ارزشهایی که در ایدئولوژی سیاسی حکومت دینی ایران مورد تأکید قرار می‌گیرند از خلال تحلیل محتوای نوشته‌ها و سخنرانیهای ایدئولوژیکی رهبران ارشد حکومتی قابل شناسایی است. اما، با توجه به اینکه پژوهش نظامداری در این زمینه صورت نگرفته است، به پاره‌ای از ارزشهای کلیدی که در سطح وسیعی اشاعه داده می‌شوند، می‌توان متمرکز شد. ولایت فقیه (پیروی از رهبری)، حزب‌اللهی (بسیجی)، شهادت‌طلبی (پاسداری از نظام، دفاع مقدس، استکبارستیزی، کفرستیزی)، تعهد به نظام، مبارزه با منکرات و حمایت از مستضعفین (عدالت)، از جمله این ارزشها هستند. پاره‌ای از این ارزشها به منزله ارزشهای حکومت اسلامی بر هدفهای ارزشهای مؤمن، امنیت ملی، نظم اجتماعی و عدالت دلالت دارند. این ارزشها در نمونه نوجوانان ایرانی معنای مشترکی، متفاوت با معانی آنها در مناطق دیگر جهان، داشته‌اند. این ارزشها در ناحیه جهان‌شمولی‌نگری (و سنت) در مجاورت یکدیگر قرار گرفته‌اند.

بدین ترتیب، ریخت جهان‌شمولی‌نگری از معنای متداول خود دور شده و نوجوانان تعالی‌جویی را در همسازی با نظام سیاسی موجود در قالب دستیابی به خیر و سعادت بشری از خلال حفظ، حراست و پیروی از ارزشهای ایدئولوژی دینی، مفهوم‌سازی می‌کنند.

ارزشهای خیرخواهانه که بر تعالی منافع شخصی با گسترش رفاه افرادی که در حوزه مناسبات نزدیک (خانواده، گروههای دوستی)، تأکید می‌ورزند، در نوجوانان ایرانی از ماهیت متعارف خود فاصله گرفته است. نوجوانان در مواجهه با آموزه‌های ایدئولوژیکی نظام سیاسی موجود، ارزشهای خیرخواهی (به استثنای ارزش یاریگر) را از مجاورت ارزشهای جهان‌شمولی‌نگری که ماهیتی ایدئولوژیکی به خود گرفته است، خارج کرده‌اند و به سمت کانونهایی متمایل ساخته‌اند که آموزه‌های والدینی و رفاقتی را اشاعه می‌دهند. بدین ترتیب، ارزشهای خیرخواهی از ماهیت اخلاقی و وابستگی به هنجارهای رسمی (که متأثر از هنجارهای ایدئولوژیکی هستند)، دور

است. مناسبت ریخت جهان‌شمولی‌نگری با این ارزشهای محافظه‌کارانه (ایمنی، سنت و همنوایی)، ماهیت تعالی‌جویی ارزشهای جهان‌شمولی‌نگری را با معنای ارزشهایی که بر حفظ ثبات تأکید می‌کنند، همخوان کرده است. نوجوانان ارزشهایی را که هدف آنها دستیابی به خیر و سعادت بشری است با رجوع به ارزشهایی که هدف آنها حفظ وضع موجود و پیروی از هنجارها و سنتهاست، ادراک می‌کنند. به بیان دیگر و در ادامه تفسیر پیشتر ارایه شده، تعالی‌جویی برای نوجوانان به منزله پیگیری و تحقق ارزشهای ایدئولوژیکی است.

فهم ماهیت ارزشهای جهان‌شمولی‌نگری، درک روشنتری از ارزشهای خیرخواهی و جابه‌جایی محل آن در چرخه ارزشهای نوجوانان به دست می‌دهد. ارزشهای خیرخواهی از کانون ارزشهایی که با حفظ و حراست از ارزشهای ایدئولوژیکی معنا می‌شوند، فاصله گرفته‌اند. به استثنای ارزش «یاریگر» که همخوانی بیشتری با ارزشهای ایدئولوژیکی داشته است، سایر ارزشهای خیرخواهی با ارزشهایی که در حوزه مناسبات غیررسمی و نزدیک (گروههای دوستی، خانواده)، اشاعه داده می‌شوند، همخوانی بیشتری نشان داده‌اند. اگر تعالی‌جویی در ارزشهای جهان‌شمولی‌نگری به معنای جستجو و تحقق آرمانهای ایدئولوژیکی تعبیر شده، تعالی‌جویی در ارزشهای خیرخواهی (به استثنای ارزش یاریگر)، به مفهوم کسب شایستگی و صلاحیتهای لازم در نزد دوستان و والدین نزدیک شده است. اگر تعالی در ارزشهای جهان‌شمولی‌نگری مستلزم خود محدودکنندگی تبعیت‌جویانه است، تعالی در ارزشهای خیرخواهی مستلزم حذف جهت‌گیریهای خودبینانه نیست. همخوانیهای ارزشهای جهان‌شمولی‌نگری و ارزشهای خیرخواهی با دیگر ارزشها مبین این معناست که ارزشهای مذکور برای نوجوانان از خلال تعهدی ارادی و درونی شده در جهت رفاه دیگران، پیگیری نمی‌شوند.

همسازی با نظام سیاسی و اجتماعی شدن ایدئولوژیکی، پیامدهای معمول برای ارزشهای «تعالی خود» را در نزد نوجوانان تغییر داده است و بدین ترتیب سبب ایجاد ساختار متفاوتی از روابط متقابل میان ارزشهای «تعالی

شده‌اند و به منزلهٔ صلاحیتها و شایستگیهای تلقی شده‌اند که ارتقای جایگاه در حلقهٔ دوستان و نزدیکان را موجب می‌شوند.

شاید چنین بتوان نتیجه گرفت که آموزه‌های ایدئولوژیکی نظام سیاسی موجود، بنا بر خصلت دینی، به شدت ارزشهای تعالی‌جویی نوجوانان را زیر تأثیر خود قرار داده‌اند، به گونه‌ای که نوجوانان از کنش ارزشهای تعالی‌جویی در دو قلمرو مناسبات گسترده (جهان‌شمولی-نگری) و روابط نزدیک (خیرخواهی) به ادراکی متجانس و پیوسته نائل نمی‌شوند. این نتیجه، همچنین بدین معناست که ارزشهای تعالی‌جویی برای نوجوانان به منزلهٔ تعهدی درونی شده و ارادی در نیامده است و کنش آنها مبتنی بر خودمحدودکنندگی یا هم‌شکلی‌طلبی تبعیت‌جویانه مبتنی است.

انحرفهای دیگر از الگوی نظری، جای‌گیری ارزشهای منفرد آزادی، زندگی متنوع، کنجکاو و ثروت به ترتیب در ریخته‌های تحریک‌طلبی، خودرهنموددهی، تحریک‌طلبی و لذت‌جویی می‌باشند. به طور معمول، ارزشهای آزادی و کنجکاو در ریخت خودرهنموددهی و ارزش زندگی متنوع در ریخت تحریک‌طلبی ظاهر می‌شوند. در نمونهٔ مورد بررسی، این ارزشها در ریخته‌های مذکور که در مجاورت هم قرار دارند، جابه‌جا شده‌اند. همخوانیهای آزادی با ریخته‌های لذت‌جویی و خودرهنموددهی و همخوانیهای ارزشهای زندگی متنوع و کنجکاو با ریخته‌های خودرهنموددهی و تحریک‌طلبی، مبین آمیختگی جنبه‌های شناختی و هیجانی خودپیروی در خلال دورهٔ نوجوانی است.

ارزش ثروت، افزون بر همخوانی با ارزشهای قدرت که مطابق با الگوی نظری است، همخوانی افزونتری با ارزشهای لذت‌جویی نشان داده است. این غلبهٔ همخوانی ممکن است بدین معنا باشد که برای نوجوانان ایرانی، ثروت بیشتر به دلیل لذتی که فراهم می‌کند ارزشمند است تا به خاطر شأن و مرتبتی که این ارزش به دنبال دارد.

استنباط کلی از علت انحرافها و جابه‌جایی ارزشها در نمونهٔ نوجوانان ایرانی نسبت به معانی دریافت شده از ارزشها در سایر فرهنگها را چنین می‌توان خلاصه کرد:

جو سیاسی در خلال دهه‌های اخیر در ایران، معانی برخی از ارزشها را زیر تأثیر قرار داده است. همسازی با نظام سیاسی و اجتماعی شدن ایدئولوژیکی، پیامدهای معمول برای ارزشهای تعالی‌خود را در نزد نوجوانان تغییر داده است. آموزه‌های ایدئولوژیکی نظام سیاسی موجود، موجب شده است که ارزشهای تعالی‌خود در قلمرو روابط نزدیک و شخصی، و مناسبات گسترده و جامعه بزرگ، به گونه‌ای پیوسته و متجانس ادراک نشوند. بدین ترتیب، ارزشهای خیرخواهی از مجاورت ارزشهایی که هدف آنها حفظ، حراست و پیروی از ارزشهای ایدئولوژیکی است (ارزشهای جهان‌شمولی‌نگری) فاصله گرفته‌اند و به سمت نواحی متمایل شده‌اند که پیوندجوییهای هیجانی را در قالب هنجارهایی که مبتنی بر آموزه‌های والدینی یا رفاقتی‌اند، تضمین می‌کنند. در هر دو وجه معنایی بیان شده، ارزشهای تعالی‌خود به منزلهٔ تعهدی درونی شده و ارادی ظاهر نمی‌شوند، و مبتنی بر خود محدودکنندگی یا هم‌شکلی‌طلبی تبعیت‌جویانه‌اند.

شایسته است با پژوهشهای تکمیلی در باب موضوع مناسبات آموزه‌های ایدئولوژیکی نظام سیاسی و تحول ارزشهای اخلاقی در نوجوانان، صحت تبیینهای ارائه شده را آزمود.

### منابع

دلخمش، م. و احمدی، م. (۱۳۸۱). شناسایی محتوا و ساختار

ارزشها و گسترهٔ عوامل همبسته با ارزشها در نظام اداری کشور.

سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور.

**Bamberg, S., Herrmann, J., Kynast, S., & Schmidt, P. (2002).** Portrait Values Questionnaire-Ein neues Instrument zur Messung von Schwartz Theorie grundlegender menschlicher Werte. Paper submitted for publication, *Universität Giessen, Germany*.

**Bardi, A., & Schwartz, S. H. (1996).** Relations among socio-political values in Eastern Europe: Effects of the communist experience? *Political Psychology, 17*, 525-549.

- Keats, D. M. (1986).** Using the cross-cultural method to study the development of values. *Australian Journal of Psychology*, 38, 297-308.
- Kimmel, D. C., & Weiner, I. B. (1995).** *Adolescence: A developmental transition*. NY: John Wiley & Sons.
- Kluckhohn, C. (1951).** Values and value-orientations in the theory of action: An exploration in definition and classification. In T. Parsons & E. Shils (Eds.), *Toward a general theory of action* (pp. 388-433). Cambridge, MA: Harvard University Press.
- Knafo, A., Roccas, S., & Sagiv, L. (2011).** The value of values in cross-cultural research: A special issue in honor of Shalom Schwartz. *Journal of Cross-Cultural Psychology*, 42, 178-185.
- Knafo, A., & Schwartz, S. H. (2001).** Value socialization in families of Israeli-born and Soviet-born adolescents in Israel. *Journal of Cross-Cultural Psychology*, 32, 213-228.
- Kohlberg, L. (1969).** Stage and sequence: The cognitive-developmental approach. In T. Lickona (Ed.), *Moral development and behavior: Theory, research and social issues* (pp. 31-53). NY: Holt, Rinehart and Winston.
- Kohlberg, L. (1985).** The just community approach to moral education in theory and practice. In M. W. Berkowitz, & F. Oser (Ed.), *Moral education: Theory and application* (pp. 27-87). NJ: Hillsdale.
- Liem, G. A. D., Martin, A. J., Nair, E., Bernardo, A. B. I., & Prasetya, P. H. (2011).** Content and structure of values in middle adolescence: Evidence from Singapore, the Philippines, Indonesia, and Australia. *Journal of Cross-Cultural Psychology*, 42, 146-154.
- Bardi, A., & Schwartz, S. H. (2003).** Values and behavior strength and structure of relations. *Personality and Social Psychology Bulletin*, 29, 1207-1220.
- Bubeck, M., & Bilsky, W. (2004).** Value structure at an early age. *Swiss Journal of Psychology*, 63, 31-41.
- Burr, A. (in press).** Investigating the Portrait Value Questionnaire (PVQ) in the context of retirement: Testing quasi-circumplex structure and measurement invariance. *International Journal of Behavioral Development*.
- Erikson, E. (1963).** *Childhood and society* (2nd ed.). NY: Norton.
- Feather, N. T. (1975).** *Values in education and society*. NY: Free Press.
- Feather, N. T. (1980).** Values in adolescence. In J. Adelson (Ed.), *Handbook of adolescent psychology* (pp. 247-294). NY: Wiley.
- Feather, N. T. (1988).** From values to actions: Recent applications of the expectancy-value model. *Australian Journal of Psychology*, 40, 105-124.
- Hinz, A., Braehler, E., Schmidt, P., & Albani, C. (2005).** Investigating the circumplex structure of the Portrait Values Questionnaire (PVQ). *Journal of Individual Differences*, 26, 185-193.
- Hofstede, G. (1980).** *Culture's consequences: International differences in work-related values*. Beverly Hills, CA: Sage Publications.
- Inglehart, R. (1990).** *Culture shift in advanced industrial society*. Princeton, NJ: Princeton University Press.
- Ivey, A. E. (1986).** *Developmental therapy: Theory into practice*. SF: Jossey-Bass.

- content and structure across cultures. In A. Tamayo & J. Porto (Eds.), *Valores e trabalho* [Values and work], (pp. 21-55). Brasilia: Editora Vozes.
- Schwartz, S. H. (2005b).** Robustness and fruitfulness of a theory of universals in individual human values. In A. Tamayo & J. Porto (Eds.), *Valores e trabalho* [Values and work], (pp. 56-95). Brasilia: Editora Vozes.
- Schwartz, S. H. (2006a).** Basic human values: Theory, measurement, and applications. *Revue Française de Sociologie*, 47, 249-288.
- Schwartz, S. H. (2006b).** A theory of cultural value orientations: Explication and applications. *Comparative Sociology*, 5, 137-182.
- Schwartz, S. H. (2010).** Values: Individual and cultural. In S. M. Breugelmans, A. Chasiotis, & F. J. R. van de Vijver (Eds.), *Fundamental questions in cross-cultural psychology* (pp. 463-493). Cambridge: Cambridge University Press.
- Schwartz, S. H., & Bardi, A. (2001).** Value hierarchies across cultures: Taking a similarities perspective. *Journal of Cross-Cultural Psychology*, 32, 268-290.
- Schwartz, S. H., & Bilsky, W. (1987a).** Toward a universal psychological structure of human values. *Journal of Personality and Social Psychology*, 53, 550-562.
- Schwartz, S. H., & Bilsky, W. (1987b).** The structure and importance of personal values in six societies. *Journal of Personality and Social Psychology*, 53, 550-562.
- Schwartz, S. H., & Bilsky, W. (1990).** Toward a theory of the universal content and structure of values. *Journal of Personality and Social Psychology*, 58, 878-891.
- Schwartz, S. H., Caprara, G. V., & Vecchione, M. Loevinger, J. (1976).** *Ego development: Conceptions and theories*. SF: Jossey-Bass.
- Menezes, I., & Campos, B. P. (1997).** The process of value-meaning construction. *European Journal of Social Psychology*, 27, 55-73.
- Parra-Luna, F. (1990).** The role of referential pattern of values in social research: A systematic perspective. *International Sociological Association*.
- Piaget, J. (1965).** *The moral judgement of the child*. NY: Free Press.
- Piaget, J. (1972).** Intellectual evolution from adolescence to adulthood. *Human Development*, 15, 1-12.
- Prince-Gibson, E., & Schwartz, S. H. (1998).** Value priorities and gender. *Social Psychology Quarterly*, 61, 49-67.
- Rokeach, M. (1973).** *The nature of human values*. NY: Free Press.
- Schwartz, S. H. (1992).** Universals in the content and structure of values. In M. Zanna (Ed.), *Advances in experimental social psychology*, (Vol. 25, pp. 1-65). NY: Academic Press.
- Schwartz, S. H. (1994a).** Are there universal aspects in the structure and contents of human values? *Journal of Social Issues*, 50, 19-45.
- Schwartz, S. H. (1994b).** Beyond individualism-collectivism: New cultural dimensions of values. In U. Kim, H. C. Triandis, C. Kagitcibasi, S. C. Choi & G. Yoon (Eds.), *Individualism and collectivism* (pp. 85-119). Newbury Park, CA: Sage.
- Schwartz, S. H. (2004).** Mapping and interpreting cultural differences around the world. In H. Vinken, J. Soeters, & P. Ester (Eds.), *Comparing cultures, dimensions of culture in a comparative perspective* (pp. 43-73). Leiden, The Netherlands: Brill.
- Schwartz, S. H. (2005a).** Basic human values: Their

- Testing the circular structure of human values: A meta-analytical structural equation model. *Survey Research Methods*.
- Steinmetz, H., Schmidt, P., Tina-Booh, A., Wiczkorek, S., & Schwartz, S. H. (2009).** Testing measurement invariance using multigroup CFA: Differences between educational groups in human values measurement. *Quality and Quantity*, 43, 599-616.
- Struch, N., Schwartz, S. H., & van-der-Kloot, W. A. (2002).** Meaning of basic values for women and men: A cross-cultural analysis. *Personality and Social Psychology Bulletin*, 28, 16-28.
- Tamayo, A., & Porto, J. B. (2009).** Validity of the Portrait Values Questionnaire (PVQ) in Brazil. *Psicologia: Teoria e Pesquisa*, 369-376.
- Triandis, H. C. (1990).** Cross-cultural studies of individualism-collectivism. In J. Berman (Ed.). *Nebraska Symposium on Motivation*, (pp. 41-133). Lincoln: University of Nebraska Press.
- Vecchione, M., Casconi, T., & Barbaranelli, C. (2009).** Assessing the circular structure of the Portrait Values Questionnaire: A confirmatory factor analysis approach. *European Journal of Psychological Assessment*, 25, 231-238.
- (2010). Basic personal values, core political values, and voting: A longitudinal study. *Political Psychology*, 31, 421-452.
- Schwartz, S. H., Melech, C., Lehmann, A., Burgess, S., Harris, M., & Owens, V. (2001).** Extending the cross-cultural validity of the theory of basic human values with a different method of measurement. *Journal of Cross-Cultural Psychology*, 32, 519-542.
- Schwartz, S. H., & Ros, M. (1995).** Values in the west: A theoretical and empirical challenge to the individualism-collectivism cultural dimension. *World Psychology*, 1, 99-122.
- Schwartz, S. H., & Sagie, G. (2000).** Value consensus and importance: A cross-national study. *Journal of Cross-Cultural Psychology*, 31, 465-497.
- Schwartz, S. H., & Sagiv, L. (1995).** Identifying culture-specifics in the content and structure of values. *Journal of Cross-Cultural Psychology*, 26, 92-116.
- Selman, R. L. (1980).** *The growth of interpersonal understanding*. NY: Academic Press.
- Steinberg, L. (1999).** *Adolescence*. USA: McGraw-Hill College.
- Steinmetz, H., Baeuerle, N., & Isidor, R. (in press).**